

”نولیبرال“های وطنی، در صف ورود به کابینه

اعضای کابینه، علی القاعده باید ادامه داشته باشد. صرف نظر از اینکه چه کسانی در کابینه آینده به تصدی وزارتخانه‌ها و زیر مجموعه‌های آن‌ها برگزیده شوند، وارد شدن به این فاز سیاسی در هفته آینده را باید آغاز دورانی تلقی کرد که مشخصه اصلی آن توهم‌زدایی بین نیروهایی خواهد بود که نسبت به رویکردهای آتی حسن روحانی و سیاست‌هایش به برخی خوش‌بینی‌ها دچارند. پیش

ادامه در صفحه ۷



شماره ۹۲۶، ۷ مرداد ۱۳۹۲

دوره هشتم، سال بیست و هفتم

در صفحات ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲

در بزرگداشت رفیق دکتر رکن الدین خسروی

راهکارهای اقتصادی رژیم ولایت فقیه، نوسان‌های ارزی، و کاهش قدرت خرید زحمتکشان

با نزدیک‌تر شدن زمان آغاز به کار دولت یازدهم، مسئله برنامه‌های اقتصادی این دولت و تاثیر آن بر زندگی و امنیت شغلی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان برجسته‌تر از پیش مطرح می‌شوند. در حالی که احمدی نژاد، رئیس جمهوری برگمارده ولی فقیه، از ”خوب بودن وضعیت اقتصادی کشور“ و ”ذخایر ارزی ۱۰۰ میلیارد دلاری“ کشور گزارش می‌داد، اکنون مشخص شده است که وضعیت اقتصادی فوق‌العاده فاجعه‌بار ارزی می‌شود. ایلنا، ۲۹ تیرماه، اعلام داشت که، بیش از یک میلیون کارگر شاغل در پروژه‌های عمرانی طی دو سال اخیر بیکار شده‌اند. همچنین رسانه‌های همگانی گزارش دادند که، فقط در طول یک سال ۱۲۲۰۰۰ کارگر قطعه‌ساز بیکار شده‌اند.

در گذشته‌یی نه‌چندان دور، آقای احمدی نژاد مژده ”هدفمند کردن یارانه‌ها“ را به مردم داد، که بنا بر آن قرار بود ۳۰ درصد درآمدهای حاصله از قطع یارانه‌ها به بخش تولید اختصاص یابد. مطابق گزارش روزنامه دنیای اقتصاد، ۲۸ خردادماه، وزارت صنعت عبارت ”پرداخت ۳۰ درصد از درآمدها“ را به ”یک بسته کمکی“ تبدیل کرد، که باید به صورت ”وام با نرخ بهره پایین“ در اختیار تولیدکنندگان قرار می‌گرفت؛ ولی به‌جای آن، مثلاً ”از بین ۳۰ شرکت زیرمجموعه انجمن مدیران صنایع، تنها ۳ شرکت از صنعت ریخته‌گری موفق به دریافت وام با بهره یک درصد از محل درآمد هدفمندی

ادامه در صفحه ۲

”حماسه دوم“ رهبری: مهندسی خواست‌های جنبش اصلاحات و نیروهای اجتماعی

قبول کنید از هویت سیاسی خود دست بردارید تا اجازه تنفس سیاسی به شما بدهیم. به باور ما اگر کسی قرار باشد عذر خواهی کند، این ولی فقیه و رهبری رژیم ولایت فقیه است که باید به خاطر پایمال کردن خشن و خونین خواست و آرای میلیون‌ها ایرانی و اعمال سیاست‌های مخرب و ضد ملی کنونی، که میهن ما را به لبه پرتگاه سوق داده است، از مردم ما پوزش طلبیده و تقاضای عفو کند.

واقعیت این است که به دنبال نه قاطع مردم به سیاست‌های ولی فقیه و خواست تغییر این سیاست‌ها، با وجود همه ادعاهای سران رژیم در مورد برقرار شدن ”آرامش“ در کشور، نزاع و کشمکش جناح‌های حکومتی وارد مرحله‌یی تازه گردیده است. همراه با این رویارویی‌های جناحی، صف بندی‌ها و مناسباتی موقت و سیال بین کانون‌های قدرت و ثروت شکل گرفته است، که در عرصه آن‌ها هریک از این کانون‌ها می‌کوشند منافع اقتصادی و موقعیت سیاسی‌شان را- با توجه به تغییرهای معین در مناسبات حکومت- حفظ، تقویت، و تحکیم کنند، به ویژه در عرصه مسئله هسته‌ای و رابطه با غرب که در صدر سیاست‌های رژیم قرار دارد. خبر و گزارش‌های پرشماری از تلاش‌های آشکار و پنهان در خصوص حل پرونده هسته‌ای و

ادامه در صفحه ۶

علی خامنه‌ای، در سخنان تازه‌ای، با گروهی از دانشجویان از کسانی که رژیم را به تقلب در انتخابات ۸۸ متهم کرده بودند و به قول او کشور را تا لبه پرتگاه کشانده بودند خواست که عذر خواهی کنند. خامنه‌ای در این سخنان از جمله گفت: ”مسئله اصلی و عمده، قانون شکنی و رفتار غیر نجیبانه جماعتی است که در مقابل جریان قانون ایستادند و به ایران عزیز، لطمه و ضربه و خسارت وارد آوردند. ... چرا و به چه دلیل مدعیان تقلب در انتخابات ۸۸ برای مواجهه با مسئله، به خیابانها اردو کشی کردند؟“

وی در بخش دیگری از سخنانش اضافه کرد: ”در جلسات خصوصی می‌گویند تقلبی رخ نداده بود، پس به چه علت کشور را دچار آن ضایعات کردید و به لبه پرتگاه بردید؟ ... بارها و بارها این سوال را نه در مجامع عمومی بلکه به شکلی که قابل پاسخ دادن باشد مطرح کرده ایم پس چرا جواب نمی‌دهند، چرا عذرخواهی نمی‌کنند؟“

روشن است که روی سخن خامنه‌ای، با رهبران در حصر جنبش سبز، از جمله موسوی، کروبی و زهرا رهنورد است. قبلاً هم کسانی مانند عسگر اولادی از رهبران جنبش سبز خواسته بود که توبه کنند تا مقدمات آزادی آنها فراهم شود. حسن روحانی، رئیس جمهور منتخب نیز در سخنان دو پهلویی، اشاره کرد که باید حرف کسانی که به اشتباه خود اعتراف کرده‌اند را پذیرفت. در این مجموعه سخنان هیچ نظر جدیدی نیست. خواست مرتجعان حاکم روشن است. توبه کنید، به ”دامن ولایت“ برگردید، یعنی

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم ”ولایت فقیه“!

ادامه راهکارهای اقتصادی رژیم ...

پارانه‌ها شده‌اند" (دنیای اقتصاد، ۲۸ خردادماه). طبق قانون "معادل ۱۰ درصد از درآمدهای حاصل از اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها" باید به وزارت بهداشت پرداخت می‌شد (ایلنا، ۱۵ تیرماه).

روزنامه‌ی دنیای اقتصاد، ۱۱ تیرماه، گزارش داد: "دولت در جدیدترین بخشنامه اعلام کرد که از این پس ارز مرجع به کالاهای اساسی و دارو تعلق نخواهد گرفت"، و خبرگزاری مهر، ۱۱ تیرماه، گزارش داد: "موضوع حذف ارز مرجع برای کالاهایی همچون گوشت و برنج به تدریج از سال گذشته آغاز شده بود." در ارتباط با ارزش دلار پس از ابلاغ بودجه ۹۲، در مقاله دیگری در دنیای اقتصاد، ۱۱ تیرماه، گزارش شده است: "بانک مرکزی براساس قوانین ابلاغی در بودجه و برنامه چهارم مبنای محاسباتی را یکسان و از ۱۲۲۶ تومان به ۲۴۵۰ تومان منتقل می‌کند. با این تصمیم کالاهای اساسی و دارو بر مبنای نرخ جدید وارد خواهند شد." همین گزارش اضافه می‌کند: "به دنبال تغییر نرخ ارز در بودجه، مبلغی بالغ بر ۳۰ هزار میلیارد تومان به درآمدهای دولت اضافه شده است. این مساله یکی از تبعات حذف نرخ ارز مرجع در بودجه است." دنیای اقتصاد در گزارشی دیگر، ۱۵ تیرماه، گزارش می‌دهد: "برای دومین بار ظرف یک سال و نیم گذشته بانک مرکزی اقدام به افزایش نرخ ارز مرجع کرد. ۲۴۷۷ تومان نرخ جدیدی است که برای دلار مرجع اعلام شده است و قرار است به صورت شناور و مدیریت شده باشد." نرخ ارز مرجع ۱۲۲۶ تومانی برای دارو و کالاهای اساسی در شرایطی حذف می‌شود که، بنابر گزارش خبرگزاری ایسنا، ۱۵ تیرماه: "بانک مرکزی در سال ۱۳۹۱ بیش از سه میلیارد دلار ارز مرجع به واردات دارو اختصاص داده بود. طی دو ماه نخست امسال هم حدود ۵۰۰ میلیون دلار به واردات دارو، مواد اولیه دارویی و تجهیزات پزشکی اختصاص یافت." گزارش ایسنا اضافه می‌کند: "... مقادیر زیادی دارو و مواد اولیه دارویی به دلیل مشکلات ارزی به وجود آمده در گمرک‌ها انباشت شده و گمرک به آن‌ها اجازه ترخیص نمی‌دهد... این نگرانی وجود دارد که انباشت بیش از حد دارو در گمرک‌ها به فاسد شدن و از بین رفتن داروها منجر شود... رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران چندی پیش از سه رقمی شدن تعداد داروهای دچار کمبود در بازار خبر داد." در ارتباط با دیپوی برخی داروهای استراتژیک مانند داروهای ضد سرطان در گمرک‌ها، به نقل از هاشم تبریزی، ایسنا، ۱۵ تیرماه، گزارش می‌کند: "پیش از این به وارد کنندگان اجازه داده می‌شد تا یک سال از حواله ارزی خود برای واردات دارو استفاده کنند که این مدت هم اکنون به تنها ۴۵ روز رسیده است." قطع یارانه‌ها و خودداری تدریجی دولت از اختصاص ۳۰ درصد از "درآمدهای هدفمند کردن یارانه‌ها" به تولید، فروپاشی تدریجی صنایع ملی (ایلنا، ۲۵ دی ماه ۹۰؛ دنیای اقتصاد، ۲۸ خردادماه ۹۲)، بیکاری جمعی کارگران، تورم ۴۰ درصدی بنا به گفته آقای روحانی (ایلنا، ۱۹ خردادماه ۹۲) و یا ۳۲/۶ درصدی بنابر گزارش خبرگزاری مهر، ۱۰ تیرماه، و سرآخر قرار گرفتن ۸۰ درصد کارگران زیر خط فقر (ایلنا، ۲۵ دی ماه ۹۰) منجر شده است. حالا ببینیم "حذف نرخ ارز مرجع ۱۲۲۶ تومانی" از کالاهای اساسی و دارو، به غیر از اضافه شدن ۳۰ هزار میلیارد تومان به درآمدهای دولت، چه "تبعاتی" در زندگی کارگران و زحمتکشان داشته و خواهد داشت؟

در اوج افزایش قیمت ارز در مهرماه ۹۱، ایلنا، ۷ آبان ماه ۹۱، به نقل از رئیس انجمن صنفی رانندگان مسافربری شهری، گزارش داد: "میزان افزایش قیمت لاستیک در بعضی موارد تا ۴ برابر هم می‌رسد... تا یک ماه پیش می‌شد هر حلقه لاستیک را با هزینه ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومانی تهیه کرد که هم اکنون قیمت آن به بالای ۴ میلیون تومان رسیده است." خبرگزاری مهر، ۱۱ تیرماه، گزارش داد: "مرغ در یک هفته ۹ درصد گران شد... افزایش قیمت چای و حبوبات بیش از ۱۰۰ درصد در یک سال." ایلنا، ۱۵ تیرماه، گزارش می‌دهد: "تغییر نرخ ارز حداقل باعث افزایش ۹۰ درصدی بهای اقلام دارویی و درمانی و بهداشتی وارداتی شده است... این مسئله همچنین افزایش ۴۰ درصدی بهای اقلام دارویی و بهداشتی تولید داخل را به همراه داشته است... در عمل تاکنون موسسات بیمه‌ای هیچ تعهدی را در قبال افزایش بهای دارو نپذیرفته‌اند و در عمل در حال حاضر مابه‌التفاوت این افزایش هزینه را شخص بیمه شدگان پرداخت می‌کنند... حذف ارز مرجع برای

سازمان [سازمان تامین اجتماعی] خطرناک است." در صورتی که در رابطه با افزایش قیمت دارو بعد از حذف ارز مرجع، بنابر گزارش دنیای اقتصاد، ۱۱ تیرماه، مشاور برنامه‌ریزی و تامین داروی سازمان غذا، ادعا می‌کند: "ما به التفاوت قیمت از طریق بیمه‌ها جبران می‌شود."

مطابق گزارش روز ۱۸ تیرماه خبرگزاری مهر: "دستمزد ماهیانه کارگران به ویژه در بخش حداقل دستمزد ۴۸۷ هزار تومانی تنها تا چند روز اول ماه قادر به تامین نیازهای مالی خانوار گارگری خواهد بود." بنابرین، اگر حداقل دستمزد قانونی ۴۸۷ هزار تومانی "تنها تا چند روز اول ماه قادر به تامین نیازهای مالی خانوار گارگری" است، در قلمرو زمام‌داری ولی فقیه و دولت نمونه جهان، آیا نمونه‌های بدتری نیز وجود دارند؟

ایلنا، ۲۹ خردادماه، گزارش داد: "با توجه به اینکه ۶۰ درصد از بازنشستگان تامین اجتماعی، مستمری حداقلی (۴۰۰ هزار تومان) را دریافت می‌کنند و حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد نیز کمتر از حداقل (حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان) دریافتی دارند، در این شرایط اقتصادی منصفانه نیست مسئولان تامین اجتماعی در مورد افزایش حقوق بازنشستگان سنگ اندازی کنند." ایلنا روز ۴ تیرماه نیز در گزارشی با عنوان: "زنان در نساجی زایل ۱۸۰ هزار تومان مزد می‌گیرند"، به نقل از محمد گل‌بامری، مسئول کانون شوراهای اسلامی کار سیستان و بلوچستان، گزارش داد: "در این واحد تولیدی، کارفرما به غیر از چند مرد، عموماً زنان را استخدام می‌کند... به غیر از تعداد اندکی که بیمه هستند به سایر زنانی که در این کارخانه کار می‌کنند نه مزد قانونی و نه حق بیمه پرداخت می‌شود... در شرایطی که حداقل حقوق یک کارگر ساده ۴۸۷ هزار تومان است هم اکنون دریافتی کارگران شاغل در این کارخانه حدود ۱۸۰ هزار تومان است... کارفرما هر چند مدت یکبار برای آنکه ردی از تخلفات خود باقی نگذارد اقدام به اخراج کارگران زن می‌کند و در نتیجه با توجه به وضع اقتصادی منطقه هیچ کس حاضر نیست تا نسبت به وضع خود اعتراض کند."

خطرهایی که امروز سازمان تامین اجتماعی با آن روبرو است، مشکل‌های آورده شده در گزارش ۱۵ تیرماه ایلنا و صرفاً قطع ارز مرجع نیست. روز ۱۱ تیرماه ایلنا گزارش داد: "بسیاری از بازنشستگان در نقاط مختلف ایران با گذشت سه ماه از سال تا کنون موفق به دریافت افزایش مستمری خود نشده‌اند... سهم هفت درصدی کارگران از حق بیمه و سهم ۲۳ درصدی کارفرمایان که آن هم به نوعی از حقوق کارگران کسر می‌شود و صرفاً برای جلوگیری از بار تومی تنها به نام کارفرمایان ثبت می‌شود، هزینه‌ای است که بازنشستگان در مدت زمان اشتغالشان برای دریافت خدمات از سازمان تامین اجتماعی پرداخت کرده‌اند... عدم اجرای تعهدات این نهاد عمومی که متعلق به کارگران است و توسط دولت اداره می‌شود، نوعی دست‌برد به بازنشستگان برای جبران هزینه‌های دولتی است."

روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۵ تیرماه، به نقل از محمدرضا مرتضوی، رییس خانه صنعت و معدن استان تهران، گزارش داد: "مدت‌ها است به صنایع ارز با نرخ مرجع اختصاص نمی‌یابد و به همین دلیل صنایع ماشین‌آلات، قطعات یدکی و مواد اولیه مورد نیاز خود را با ارز آزاد تامین می‌کنند... ایجاد نوسانات در نرخ ارز را می‌توان یکی از عمده مشکلاتی دانست که از سال گذشته و با راه اندازی مرکز مبادلات ارزی، صنایع با آن درگیر بودند و حال با شناور شدن تعیین نرخ ارز ظاهراً این مشکل ادامه‌دار خواهد شد... شناور کردن نرخ ارز امکان برنامه‌ریزی از واحدهای تولیدی را سلب خواهد کرد."

مقاله ۱۵ تیرماه دنیای اقتصاد مبلغ‌های ارزی حاصل از صادرات نفت و گاز در سال ۱۳۹۰ را ۹۴ میلیارد و ۶۶۷ میلیون و ۹۰۰ هزار دلار گزارش داد؛ و مطابق ادعای احمدی نژاد، کشور در حال حاضر دارای "ذخایر ارزی ۱۰۰ میلیارد دلاری" است. این امکان‌های مالی کشور به دلارند و تابع تغییرهای ارزش دلار در داخل کشور نیستند. تغییر قیمت دلار برای کالاهای اساسی و دارو از ارز مرجع ۱۲۲۶ تومان به ۲۴۵۰ تومان به‌وسیله دولت، همانند قطع یارانه‌ها، علاوه بر به‌وجود آوردن "مشکلات عمده" برای صنعت و فروپاشی صنایع ملی، بیکاری دسته‌جمعی کارگران، کاهش قدرت خرید کارگران و زحمتکشان، "دستبرد" به سازمان تامین اجتماعی و سفره کارگران، پیامدهای دیگری نیز دارد. گزارش ۱۵ تیرماه روزنامه دنیای اقتصاد، به نقل از آقای حسین ساسانی، دبیرکل کنفدراسیون صنعت ایران، اضافه می‌کند: "با شناور شدن نرخ ارز دسترسی برخی افراد به اطلاعات فراهم می‌شود و شرایط برای رانت‌خواری به وجود می‌آید."

عنصرهای تبهکاری که با هم‌دلی دولت احمدی نژاد و دیگر جناح‌های حاکمیت مسئولیت سازمان تامین اجتماعی را به عهده دارند و آن را در حکم حیاط خلوت خود می‌پندارند، مأموران فاسدی که زیر نظارت آنان و بر رغم تصویب حداقل دستمزد قانونی ۴۸۷ هزار تومانی، کارگر زن زابلی ۱۸۰ هزار تومان حقوق می‌گیرد، و در صورت مرتکب شدن خطای بزرگ و "مادر شدن

بیانیه مشترک حزب‌های کمونیست - کارگری جهان در همبستگی با اوو مورالس، رییس جمهوری بولیوی، و مردم بولیوی



ما حزب‌ها و سازمان‌های امضاء کننده این بیانیه، در برابر فرمان دولت‌های فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، و پرتغال، مبنی بر جلوگیری از عبور هواپیمای پایه‌ور رییس جمهوری کشور چند ملیتی بولیوی، اوو مورالس، از فضای هوایی این کشورها و فرود اجباری آن، که در راه بازگشت از دیدار خود از فدراسیون روسیه بود، اعتراض‌مان را در نکته‌های زیر اعلام می‌کنیم:

- ۷- حزب کمونیست بوهم و موراوی
- ۸- حزب کمونیست بولیوی
- ۹- حزب کمونیست بریتانیا
- ۱۰- حزب کمونیست نوین بریتانیا
- ۱۱- حزب کمونیست شیلی
- ۱۲- حزب کمونیست کوبا
- ۱۳- حزب کمونیست یونان
- ۱۴- حزب کمونیست هندوستان
- ۱۵- حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)
- ۱۶- حزب کمونیست ایرلند
- ۱۷- حزب کمونیست مکزیک
- ۱۸- حزب کمونیست پاکستان
- ۱۹- حزب کمونیست اسپانیا
- ۲۰- حزب کمونیست مردم اسپانیا
- ۲۱- حزب کمونیست فدراسیون روسیه
- ۲۲- حزب کمونیست ترکیه
- ۲۳- حزب کمونیست آلمان
- ۲۴- حزب کارگران مجارستان
- ۲۵- حزب کمونیست لبنان
- ۲۶- حزب کمونیست نوین یوگوسلاوی
- ۲۷- حزب کمونیست رفونداسیون ایتالیا
- ۲۸- حزب کمونیست‌های ایتالیا
- ۲۹- شبکه کمونیست‌های ایتالیا
- ۳۰- حزب مردم پاناما
- ۳۱- حزب کمونیست پرتغال
- ۳۲- حزب کمونیست آفریقای جنوبی
- ۳۳- حزب پیشرو زحمتکشان قبرس
- ۳۴- حزب توده ایران
- ۳۵- حزب کمونیست متحد گرجستان
- ۳۶- حزب کارگران بلژیک
- ۳۷- حزب کارگران ایرلند
- ۳۸- تریبون دموکراتیک پیشرو بحرین
- ۳۹- حزب کمونیست رومانی
- ۴۰- حزب کمونیست فیلیپین - ۱۹۳۰
- ۴۱- حزب کمونیست اسرائیل
- ۴۲- حزب کمونیست ونزوئلا
- ۴۳- حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا
- ۴۴- حزب کمونیست مصر
- ۴۵- حزب کمونیست کانادا
- ۴۶- حزب کمونیست پرو
- ۴۷- اتحادیه مردمی گالیسیا
- ۴۸- حزب کمونیست اوروگوئه

۱. تصمیم دولت‌های نام‌برده را به شدت محکوم می‌کنیم، و پوزش‌خواهی رسمی از رییس جمهوری اوو مورالس و کشور چند ملیتی بولیوی به سبب پایمال شدن ابتدایی‌ترین اصول قانونی و عرفی، و پیمان‌های بین‌المللی، و به قصد به خطر انداختن امنیت و جان اوو مورالس در رفتاری هماهنگ، را خواهیم.

۲. با توجه به بی‌سابقه بودن چنین اقدامی در دوران پس از جنگ جهانی دوم در اروپا، بر این اعتقادیم که این پیشامد بسیار جدی است، زیرا با کوشش دولت آمریکا در پیگیری و آزار کارمند پیشین سازمان اطلاعات ملی این کشور که اسناد وجود شبکه گسترده‌ی از شنود و کنترل فضای دیجیتال در جهان و پایمال کردن ابتدایی‌ترین حقوق، آزادی، و پیمان‌های ضمانتی مردم و استقلال کشورها را آشکار و افشاء کرد، به روشنی پیوند دارد.

۳. از دولت‌های پرتغال، اسپانیا، فرانسه، و ایتالیا می‌خواهیم که به‌طور علنی و جامع به شرح جزئیاتی بپردازند که به گرفتن چنین تصمیمی منجر شد، یعنی تصمیمی که حرکتی غیر قانونی است و از نظر گاه قوانین بین‌المللی فعالیتی تروریستی می‌تواند به‌شمار آید.

۴. دست داشتن اتحادیه اروپا در این اقدام‌های غیرقانونی، که ماهیت و سیاست‌های واقعی این اتحادیه و تن دردادنش به طرح‌های سازمان ناتو را به نمایش می‌گذارد، محکوم می‌کنیم.

۵. محکومیت صریح و بدون ابهام این تصمیم‌ها را از سوی نهادهای وابسته به سازمان ملل خواستاریم.

۶. به دولت‌ها و سازمان‌های چندسویه و بین‌المللی که این اقدام‌ها را محکوم کرده‌اند، و همچنین به مردم بولیوی و کشورهای نام‌برده در بالا، و همین طور به همه مردم جهان، به ویژه آمریکای لاتین، که این گونه ترفندها برای خوار و خفیف کردن رییس جمهوری اوو مورالس، حاکمیت قانونی بولیوی و دیگر خلق‌ها را، محکوم و مردود دانسته‌اند و همبستگی‌شان را با حقوق جهانی و دموکراتیک و آزادی خلق‌ها بیان کرده‌اند، درود می‌فرستیم و گرمی‌شان می‌داریم.

۷. با خلق‌های پرتغال، اسپانیا، ایتالیا، و فرانسه، که در کشورشان با سیاست‌های بهره‌کشی، آزار و اهانت، و دنباله‌روی کردن و تسلیم بودن در برابر منافع امپریالیسم پیکار می‌کنند، همبستگی خود را اعلام می‌کنیم.

۸. بار دیگر با همه نیروها، از نزدیک تا دورترین نقطه‌های گیتی، که برضد برنامه‌های دوربرد مداخله‌گرایانه، جنگ‌افروزان، و سلطه‌گرایانه امپریالیسم - که در نتیجه روند شتاب‌گیرنده بحران سرمایه‌داری به آن دامن زده می‌شود و حقوق اجتماعی، دموکراتیک، و ملی مردم را هدف قرار می‌دهد - پرچم پیکار را بردوش می‌کشند، همبستگی انترناسیونالیستی‌مان را، هرچه گرم و صمیمانه‌تر، اعلام می‌کنیم.

۱- حزب الجزایر برای دموکراسی و سوسیالیسم

۲- گزینه ملت نوین (گواتامالا)

۳- حزب کمونیست برزیل

۴- حزب کمونیست‌های برزیل

۵- حزب کمونیست دانمارک

۶- حزب کمونیست در دانمارک

ادامه راهکارهای اقتصادی رژیم ...

همه حقوق ویژه خود را از دست می‌دهد، و دستگاه حکومتی فاسدی که با به‌وجود آوردن نوسان‌های ارزی بی‌سابقه، فروپاشی تولید ملی، بیکاری افسار گسیخته کارگران، فقر اکثریت مطلق کارگران و زحمتکشان را موجب می‌شود؛ قابل اصلاح شدن از بالا نیستند. در این زمینه باید یادآور شد که، ادامه این سیاست‌ها در دولت جدید، به‌معنای نادیده گرفتن و پایمال ساختن حقوق کارگران و زحمتکشان است. روزنامه بهار، ۲۸ تیرماه، با اشاره به برنامه‌های اقتصادی دولت حسن روحانی، نوشت: «اگر رویکرد دولت آینده آن طور که نوبخت ... اعلام کرد باشد، این راهی است که احمدی نژاد و تیم اقتصادش قصد اجرای آن را داشتند و چنین تصمیمی از سوی دولت آینده در حقیقت استمرار سیاست‌های دولت قبلی است. ...»

تنها مبارزه سازمان یافته و متحد کارگران و زحمتکشان می‌تواند منافع‌شان را حفظ کند و به عقب نشاندن کلان سرمایه‌داران منجر شود.



اجرای سیاست‌های اقتصادی‌ای مانند خصوصی سازی صنایع، مقررات‌زدایی، حذف یارانه‌ها، و "صرفه جویی" بوده است. پرسش اینجاست که، دولت جدید با کدام سیاست‌ها برای حل معضل بیکاری اقدام خواهد کرد؟ آیا اجرای دوباره برنامه‌هایی نظیر تعدیل اقتصادی و هدفمندی یارانه‌ها می‌تواند به حل جدی بیکاری منجر شود؟ یا استناد به تجربه دهه اخیر کشورمان و تجربه‌های دیگر کشورها که از سیاست‌های اقتصادی‌ای مشابه پیروی کرده‌اند، با قاطعیت به این پرسش‌ها می‌توان پاسخ منفی داد! جوانان میهن ما خواستار حل معضل بیکاری و برخورداری از زندگی‌ای شایسته‌اند. با ادامه سیاست‌های مخرب دیکته شده از سوی "صندوق بین‌المللی پول" و "بانک جهانی"، آینده و سرنوشت جوانان همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار می‌گیرد.



افزایش نرخ بیکاری: آینده جوانان کشور در پرده ابهام

یکی از پیامدهای ناگوار اجرای برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت فقیه، افزایش نرخ بیکاری به‌ویژه در میان جوانان کشور است.

چندی پیش و در استانه تشکیل دولت جدید به ریاست حسن روحانی، گزارش‌هایی از نرخ روبه‌افزایش بیکاری انتشار یافت. خبرگزاری مهر، اوایل تیر ماه، اعلام کرد: "براساس آمارهای منتشر شده مرکز آمار ایران طی سال‌های ۸۴ لغایت ۹۰ سالانه ۷۸۳ هزار نفر به‌طور متوسط وارد بازار کار شده‌اند، به عبارت دیگر در طول این دوره حدود ۵/۵ میلیون نفر نیروی کار جدید به جمعیت متقاضیان کار اضافه شده است در حالی که تعداد بیکاران در طی ۷ سال تقریباً ۳۰۰ هزار نفر افزایش یافته است." از سوی دیگر، بنا به آمارهای ارائه شده از سوی مرکزهای رسمی جمهوری اسلامی مانند: مرکز آمار ایران، تعداد بیکاران کشور بین ۳ تا ۴ میلیون نفر است. البته کارشناسان اقتصادی آمار واقعی را بیش از این تعداد برآورد می‌کنند. در ارزیابی‌ای از وضعیت بیکاری، با صراحت اعلام شده است که، طی سال‌های ۸۹ تا ۹۱، ۲۵ درصد از خانواده‌های ایرانی فرد شاغلی در خانواده نداشته‌اند. این آمار ژرفای بحران و نرخ صعودی بیکاری را به خوبی آشکار می‌سازد. خبرگزاری مهر، ۷ تیرماه، در گزارشی با عنوان: "جدول ۳ میلیون تقاضای کار از روحانی - تعداد بیکاران بیشتر شد"، از جمله نوشت: "یکی از مهم‌ترین چالش‌های بازار کار کشور در سال‌های اخیر بیکاری ۳ میلیون کارجوی جوان ایرانی و عمدتاً از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است که به دلیل تقاضای روزافزون جامعه و خانواده‌ها برای حل مساله اشتغال جوانان، این موضوع به عنوان یکی از وعده‌های اصلی و محورهای کاری دولت‌ها در یک دهه اخیر درآمده است... اعمال شرایط سخت گیرانه آمارگیری از شاغلان و بیکاران و استفاده از استانداردهایی که چندان با شرایط بازار کار ایران مطابقت ندارد، باعث شده تا بسیاری از کارشناسان حوزه اشتغال آمارهای مربوط به بیکاری را غیر واقعی بدانند و تعداد واقعی بیکاران را تا ۲ برابر تعداد اعلام شده [یعنی: بیش از ۶ میلیون نفر] توسط مرکز آمار ایران تخمین بزنند." در آمار مربوط به بیکاری، نگران کننده‌تر از دیگر موردها نرخ بیکاری بین جوانان کشور است. برپایه آمار رسمی، هم‌اکنون میزان بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله، ۲۲ درصد است که تقریباً دوبرابر نرخ متوسط بیکاری در ایران است.

به این ترتیب، بیکاری یکی از چالش‌های اصلی و از زمره معضله‌های جدی اجتماعی به‌شمار می‌آید. حل مشکل بیکاری در گرو تقویت تولید، رشد صنایع، و تامین حقوق لایه‌های وسیع مزدگیران است. فراموش نکنیم که، یکی از علت‌های افزایش نرخ بیکاری،

سند تحول، یا واپس‌گرایی در آموزش و پرورش؟

با نزدیک شدن به مهر ماه و باز گشایی دبستان‌ها و دبیرستان‌ها بار دیگر موضوع عمل‌کرد وزارت آموزش و پرورش و چگونگی نظام آموزشی کشور به بحثی چالش برانگیز بدل گردیده است. این مسئله به‌ویژه با آغاز فعالیت دولت یازدهم جمهوری اسلامی حادث نیز شده است.

اینها، ۱۵ تیرماه، گزارش داد: "وزیر آموزش و پرورش با تاکید بر اینکه آموزش و پرورش را سیاسی اداره نکردیم گفت... سند تحول مهم‌ترین اقدامی بود که در ۱۸۰ سال عمر گذشته آموزش و پرورش در ایران بی نظیر بوده... نگاه مدیریتی ما به [آموزش و پرورش] ولایی، ملی و اسلامی بود، تا جمهوری اسلامی ایران استحکام پیدا کند و فتح المبین و والفجرها شکل بگیرد." همزمان با این موضع‌گیری، در اقدامی حساب شده، احمدی نژاد در روزهای پایانی عمر دولتش به حمایت از خصوصی سازی مدارس و نظام آموزشی برخاست، و لایحه مهلت تاسیس مدارس غیرانتفاعی را به مجلس ارسال کرد. هدف از تاسیس مدارس خصوصی جامه عمل پوشاندن به فرمان‌های بانک جهانی است که در چارچوب برنامه کاهش تصدی دولت و مقررات‌زدایی، خواستار خصوصی سازی آموزش در کشورهای مختلف است. در عین حال، وزیر آموزش و پرورش، در مصاحبه‌ی، اوایل تیرماه، خاطرنشان ساخت که، تا پایان مردادماه سامان دهی فرهنگیان انجام خواهد شد و با اجرای این کار و نیز نظام رتبه بندی معلمان، "بزرگترین جراحی در بدنه آموزش و پرورش انجام خواهد شد." این تبلیغات پرسروصدا در وضعیتی صورت می‌پذیرد که اکثر آموزگاران و دبیران، و به‌طور کلی فرهنگیان کشور، از برنامه‌های وزیر آموزش و پرورش و عمل‌کرد نظام آموزشی ناراضی‌اند و با سیاست خصوصی‌سازی و حضور هرچه گسترده‌تر روحانیون و طلبه‌ها در محیط‌های آموزشی مخالفند. در این زمینه روزنامه بهار، ۱۲ تیرماه، در مطلبی به قلم آموزگاری متعهد، با عنوان: "آموزش و پرورش، از حرف تا عمل"، ضمن انتقاد از نظام آموزشی جمهوری اسلامی، از جمله نوشت: "در چهار سال گذشته، اگر کسی تنها به سخنان حاجی بابایی، وزیر آموزش و پرورش و بعضی دیگر از فرادستان آموزشی گوش می‌سپرد و از نزدیک آنچه در مدرسه‌ها می‌گذشت را نمی‌دید و تجربه نمی‌کرد، بی‌گمان چنین می‌پنداشت که دگرگونی بنیادین، انقلاب یا حتی انقلاب‌هایی بزرگ، در آموزش و پرورش رخ داده، یا دست کم دارد رخ می‌دهد... آنچه در این سخنان [سخنان وزیر] از آموزش و پرورش نمود پیدا کرده است با آنچه در خود آموزش و پرورش می‌گذشت، سخت ناهمخوان بود. شماری از آموزگاران و کارشناسانی که در رسانه‌ها می‌نوشتند در حد توان خود می‌کوشیده‌اند که تفاوت میان بود و نمود آموزش و پرورش این سال‌ها را بازتاب دهند." در این مقاله سپس همراه با اشاره به مقاله‌هایی، به دلیل‌های افت تحصیلی، سقوط سطح علمی و آموزشی مدارس، پامال شدن امنیت شغلی آموزگاران، و مسئله‌هایی از این دست، پرداخته می‌شود.

واقعیت اینست که، نظام آموزشی جمهوری اسلامی، با نظام آموزشی مدرن و پیشرفته جهان معاصر فرسنگ‌ها فاصله دارد. در طول هشت سال گذشته، با تقویت حضور مرکزهای مذهبی در مدارس، کیفیت برنامه‌های آموزشی به عقب رجعت داشته‌اند، و معضل کم‌سوادی در کشور را دامن زده‌اند. سند تحول آموزش و پرورش نیز در چارچوب اصلی‌اش عبارتست از: تحمیل واپس‌گرایی به نظام آموزشی کشور، و در نتیجه آن، سقوط بیش از پیش سطح علمی و آموزشی کشور. نظام آموزشی جمهوری اسلامی عقب‌مانده، کهنه، و عامل اصلی افت کیفیت تحصیلی و فاصله گرفتن میهن ما از دستاوردهای علمی و فرهنگی جهان کنونی است.

گشت ارشاد، طرح‌های امنیت اخلاقی، دولت جدید، و خواست مردم

چند سال متمادی است که مردم میهن ما، به‌ویژه زنان و جوانان مان، از سوی گشت‌های ارشاد و طرح‌هایی با عنوان: "امنیت اخلاقی"، آزار، تحقیر، و اهانت می‌شوند. مخالفت گسترده و فراگیر مردم، به‌خصوص در شهرهای بزرگ و پرجمعیت کشور، با این گونه طرح‌ها و برنامه‌ها برکسی پوشیده نیست، و با قاطعیت تمام می‌توان مدعی شد که، نفرت همگانی از گشت‌های ارشاد و "امنیت اخلاقی" ریشه ژرف اجتماعی پیدا کرده است. اکنون با آغاز کار دولت جدید یکی از

ادامه رویدادهای ایران ...

خواست‌های عمومی برچیده شدن این گشت‌ها، یا در واقع مزاحمت‌های نفرت‌انگیز اوباش بسیج و یگان‌های نیروی انتظامی، است که در خصوص‌ترین زاویه‌های زندگی فرد شهروندان مداخله‌هایی بی‌شمارانه می‌کنند. در این زمینه، پیش از آغاز به کار دولت حسن روحانی، خبرگزاری مهر، ۱۱ تیرماه، در گزارشی با عنوان: "استقبال پلیس از نظرات رئیس‌جمهور منتخب در مورد طرح‌های امنیت اخلاقی"، نوشت که، احمدی مقدم [پاسدار احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی] در پاسخ به سؤال مهر که از او پرسیده بود آیا با روی کار آمدن دکتر روحانی شاهد تغییر در طرح‌های امنیت اخلاقی خواهیم بود، افزود: "... [تصمیم درباره] طرح‌های امنیت اخلاقی را شورای عالی امنیت ملی و شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌گیرند و یک تصمیم ملی [بخوان حکومتی] است. این تصمیم‌ها مقطعی نیست... انتصاب فرمانده نیروی انتظامی در حوزه اختیارات فرمانده معظم کل قواست... تغییر دولت هیچ اثری در نیروی انتظامی ندارد و در خدمت هر دولتی هستیم." همچنین پاسدار زاهدیان، رئیس پلیس امنیت اخلاقی، نیز در جمع خبرنگاران با تأکید بر اینکه گشت‌های مربوطه تعطیل شدنی نیست، اعلام داشت که، پلیس امنیت اخلاقی برنامه‌های مختلفی در خصوص رعایت "حجاب و عفاف" و "تأمین امنیت اخلاقی جامعه" تدارک دیده است که یکی از اولویت‌های آن "طرح سالم سازی دریا" توسط گشت‌های نیروی انتظامی و بسیج است. او گفت: "مأموران ما از اول تیرماه در سواحل شمالی مستقر شده... تا افراد متدین و مومن احساس ناراضی‌نشدند... ما به دنبال این نیستیم که مردم را در فشار بگذاریم و کار سلبی انجام دهیم، ولی اگر هنجار شکنی در حدی باشد... مجبور به برخورد سلبی هستیم."

این سخنان تهدیدآمیز که حاکی از سطح درک اجتماعی و آگاهی فرماندهان نیروی انتظامی است، ماهیت برنامه‌های زننده و مشتمل‌کننده‌ای چون طرح امنیت اخلاقی را به خوبی نشان می‌دهد. علاوه بر این، پاسدار خاتجری، رئیس پلیس پیشگیری تهران، در گفت‌وگو با خبرنگاری مهر، ۱۷ تیرماه، اعلام کرد: "طرح ارتقاء امنیت تفرجگاه‌ها و بوستانهای تهران از ابتدای تابستان توسط پلیس پیشگیری تهران آغاز شده است. در این طرح با اقدامات ضد اخلاقی و فرهنگی... برخورد می‌شود. این طرح از ساعت ۹ صبح تا ۱۵ عصر در تمامی بوستانها، پارک‌های جنگلی و فضای سبز توسط تیم‌های عملیاتی و انتظامی سرکلانتری‌های یازده‌گانه تهران اجرا می‌شود." به این ترتیب سالیانه میلیاردها تومان از بودجه کشور در اختیار فرماندهان نیروی انتظامی و بسیج قرار می‌گیرد تا واپس‌مانده ترین و زشت‌ترین اقدام‌ها را بر ضد مردم و زیر نام "امنیت اخلاقی" انجام دهند. گشت ارشاد و طرح امنیت اخلاقی، با سرکوفت زدن و توهین کردن سیستماتیک به جوانان و زنان کشور ناهنجاری‌هایی مختلف در سطح جامعه به وجود می‌آورند، و از عامل‌های اصلی گسترش ناامنی و بی‌اعتمادی در عرصه روابط اجتماعی و خصوصی میلیون‌ها شهروند میهن‌مان به شمار می‌آیند. مردم ما با چنین سیاست‌های قرون وسطایی و تحقیرآمیز به شدت مخالفند و برچیدن بساط این طرح‌ها از زمره خواست‌های آنان از دولت جدید است.

واردات سیل آسا، و نابودی کشاورزی!

میلیون‌ها دهقان و خانواده‌هایشان بر اثر اجرای سیاست‌های اقتصادی رژیم ولایت فقیه در فقر و تیره روزی به سر می‌برند. در طول ماه‌های اخیر واردات بنیان کن محصولات کشاورزی به داخل کشور، خانه خرابی طیف وسیع دهقانان را سبب شده است. ایلنا، ۱۶ تیرماه، گزارش داد: "تگرانی برنج کاران از اشیاع بازار توسط برنج وارداتی؛ در صورتی که ذخیره برنج وارداتی در بازارهای مصرف کاهش نیابد، کارگران و کشاورزان برنج کار خسارت مالی جدی خواهند دید... بیشتر برنج کاران به دلیل نداشتن نقدینگی کافی، هزینه‌های مربوط به کاشت، داشت، و برداشت برنج را قرض می‌کنند؛ این گروه کشاورزان مجبورند تا برای ادای قرض، محصول خود را هرچه سریع‌تر بفروشند... از آنجا که برداشت برنج با اشیاع بازار مصرف از برنج وارداتی همزمان می‌شود، دلان و واسطه‌ها به بهانه‌های مختلف محصول این گروه برنج کاران

را با قیمتی نازل خریداری می‌کنند." باید یادآور شد که، امسال برای ماه رمضان دولت هزاران تن برنج خارجی را وارد بازار کرده است، و این اقدام ورشکستگی گسترده کشاورزان، به‌ویژه در استان‌های گیلان، مازندران، و فارس را سبب شده است.

از سوی دیگر رسانه‌های همگانی از واردات سیل آسای چای به کشور گزارش‌هایی را منتشر ساختند. چای کاران کشور در وضعیتی بسیار وخیم به سر می‌برند، و اخیراً اعلام شد که، بیش از ۳۰ تولیدکننده چای در استان گیلان به دلیل نداشتن قدرت مالی و اشیاع بازار چای با واردات چای خارجی، ورشکسته شده‌اند.

واردات محصولات کشاورزی فقط به چای و برنج محدود نمی‌شود. کلیه فراورده‌های کشاورزی از پنبه و ذرت تا انواع میوه‌ها به صورت سیل آسا و در حجم‌هایی عظیم به بازار داخلی سرازیر شده‌اند و کشاورزان را به فقر و تیره‌روزی کشانده‌اند. به گزارش ایلنا، ۱۵ تیرماه، فقط در سه ماه نخست سال جاری واردات گندم ۶۰ درصد افزایش داشته است. ایلنا نوشت: "مدیر کل دفتر غلات، حبوبات و نباتات علوفه‌ای وزارت جهاد کشاورزی از افزایش ۶۰ درصدی واردات گندم نسبت به سال گذشته خبر داد... این میزان واردات به جز ۶۰۰ هزار تن گندمی بوده است که توسط بخش صنعت و معدن کشور وارد شده است... دولت می‌تواند با خرید گندم از کشاورزان داخلی تا حدود زیادی از واردات بی‌نیاز شود اما به دلیل قیمت خرید پایین پیشنهادی دولت، کشاورزان را به سمت معامله با دلان، دامداران و مرغداران سوق می‌دهد."

سیاست‌های ضد مردمی اقتصادی مانند واردات گسترده و بی‌رویه، به‌طورمستقیم بر زندگی میلیون‌ها تن از دهقان‌های میهن‌مان اثرهای فاجعه بار داشته است. با چنین برنامه‌هایی باید شاهد نابودی کامل بخش کشاورزی و فروپاشی زندگی دهقانان باشیم!

ادامه چالش‌های پیش روی چین ...

کمتر است، مقرری و کمک‌هزینه پرداخت شود و آن‌ها بتوانند از خوراک و پوشاک و مسکن کافی و مناسب برخوردار باشند. دو سال پیش، شهروندان چین شاهد بزرگ‌ترین رشد واقعی درآمد مصرفی سرانه در ناحیه‌های روستایی بود. در همان سال، میانگین دستمزد ماهانه کارگران روستایی مهاجر بیش از ۲۱ درصد - نسبت به سال قبل - افزایش یافت. سیاست‌های دولت چین در زمینه اشتغال، تثبیت وضعیت اشتغال و ایجاد بیش از ۱۲ میلیون و ۲۰۰ هزار فرصت شغلی در شهرها را موجب شد که ۲۱/۳ میلیون هم از میزان پیش‌بینی شده بیشتر بود. میزان بیکاری در شهرها در پایان سال ۲۰۱۱ در حد ۱/۴ درصد ثابت ماند. دولت برای الغای مالیات کشاورزی، افزایش یارانه خرید گندم و دیگر غلات در روستاها، و افزایش بودجه بهداشت و درمان و آموزش در روستاها و شهرهای کوچک گام‌هایی برداشت تا ساکنان تهی‌دست این منطقه‌ها دسترسی کافی به خدمات اساسی داشته باشند. دولت چین تأمین هزینه‌های پنج‌گانه خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و درمان، و تدفین را برای همه کسانی که توان کار کردن ندارند، یا از هیچ حمایت خانوادگی‌ای برخوردار نیستند، تضمین می‌کند.

در تلاشی دیگر برای کاهش هزینه حمل‌ونقل و ثابت نگه داشتن قیمت‌های فراورده‌های کشاورزی، "کمیسیون ملی اصلاحات و توسعه" امسال اعلام کرد که، از اول ماه ژوئن (۱۱ خردادماه) بهای برق مصرفی تولیدکنندگان کشاورزی و شرکت‌های حمل‌ونقل را کاهش می‌دهد. برخلاف آنچه که مبلغان نولیبرالیسم و "ریاضت‌کشی" می‌خواهند به خورد مردم بدهند و به همه بقولانند، همه این‌ها نشان می‌دهند که برنامه‌ریزی و دخالت دولت با در اولویت قرار دادن منافع و مصالح مردم می‌تواند وسیله‌ی کارآ و مؤثر در رفع نابرابری‌ها و ناهماهنگی‌ها باشد. رفیق "سیتارام یه‌چوری"، گزارش خود از همایش "چین در قرن بیست و یکم - اکنون و آینده" را چنین به پایان می‌برد: "در اصلاحات این سه دهه اخیر، چین گام‌های بسیار بزرگی در مسیر توسعه نیروهای مولد و رشد اقتصادی برداشته است. میانگین رشد ۹ درصدی نه‌تنها در همه سی و اندی سال اخیر، حتی در تمام تاریخ سرمایه‌داری بی‌سابقه است. البته روشن است که این روند، تغییرهای نامطلوبی را نیز در مناسبات تولیدی، و در نتیجه در مناسبات اجتماعی در چین امروز به همراه آورده است. چگونگی حل‌وفصل و میزان موفقیت در حل‌وفصل این تناقض‌ها، تعیین‌کننده مسیر آینده چین و ظرفیت و توانایی آن در اثرگذاری بر تحولات جهانی است. تلاش‌هایی که در چین به منظور تحکیم و تقویت سوسیالیسم صورت می‌گیرد، از همبستگی ما و همه نیک‌خواهان سرنوشت بشری در سراسر جهان برخوردار خواهد بود."

تفاوت در اندیشه اتحاد در عمل مبارزه با دیتاتوری

اخیر تبلور روشنی داشت - نیست و نمی تواند باشد. تجربه سالیان اخیر پیش روی جنبش مردمی و جنبش اصلاح طلبی کشور است. بدون حضور سازمان یافته مردم و طرح مطالبه‌های به‌حق‌شان، کامیابی در عقب نشاندن ولی فقیه - سپاه، نهادهای سرکوبگر، و تامین منافع ملی، امکان ندارد. از این روی، در مرحله کنونی مبارزه برای افشای سیاست مهندسی جنبش اصلاحات و ایجاد تفرقه در صف‌های جنبش مردمی و جدا کردن بخش‌های مختلف این جنبش، وظیفه بی‌درنگ همه مدافعان راستین راه آزادی، حق حاکمیت ملی، و عدالت اجتماعی است.

طرح خواست‌های توده‌ها، به‌خصوص زحمتکشان شهر و روستا و قشرهای میانه حال و حرکت به سمت سازمان‌دهی نارضایتی‌ها، به‌هیچ‌وجه "زیاده خواهی" و "بالا بردن سطح توقعات مردم" نیست. هرگونه تغییری در جامعه تنها با حضور مردم و در راستای منافع آنان امکان پذیر و پایدار خواهد بود. چشم بستن بر تجربه‌های اخیر - تجربه‌های برآمده از جنبش دوم خرداد و پیکار با کودتای انتخاباتی سال ۸۸ - به تضعیف جنبش مردمی و موفقیت سیاست‌های ارتجاع و امپریالیسم در کشور منجر می‌شود. چگونه می‌توان از تغییر سخن گفت، اما خواست‌های به‌حق و بدیهی مردم را نادیده گرفت؟

نباید از نظر دور داشت که، از فردای انتخابات ریاست جمهوری دوره یازدهم، رژیم ولایت فقیه با توجه به تحول صحنه سیاسی و آرایش نو سیاسی، سیاست چند وجهی سرکوب و تطمیع و مهار جنبش اعتراضی توده‌ها را در صدر اقدام‌هایش خود قرار داده است. تضعیف جنبش‌های اجتماعی، جدا کردن بخش‌های مختلف و دیدگاه‌های متفاوت از یکدیگر در جنبش زنان، کارگری، و دانشجویی، از سوی وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران و دیگر نهادهای ارگان‌های حکومت، با جدیت دنبال می‌شود. در حقیقت، ما با مهندسی خواست‌های اجتماعی روبه‌رویم. رژیم علاوه بر سرکوب و پیگرد دقیق، برنامه‌ریزی شده، و هدفمند مبارزان سیاسی، صنفی و اجتماعی، با طرحی حساب شده در تلاش است نارضایتی همگانی و جنبش اعتراضی را زیر کنترل داشته و برآن مسلط باشد. در این زمینه ایجاد چند دستگی، تفرقه، شایعه پراکنی، جو سازی، و بزرگ نمایی افراد، نهادها، و نظراتی معین، و در همان حال، تخریب، اعمال فشار، و حذف جریان‌ها و نظرهای دیگر از زمره اجزای برنامه مهندسی خواست‌های اجتماعی و سیاسی مردمند. این سیاست هم در داخل کشور و هم در خارج کشور در میان حزب‌ها و نیروهای سیاسی اجرا و اعمال می‌شود. رژیم برای تحکیم موقعیت خود و "حل و فصل مسئله‌ها با آمریکا و اتحادیه اروپا" بر سر حذف جنبش مردمی سیاست مشخص و قاطعی را در نظر دارد. هراس حکومت احیای مجدد جنبش اعتراضی توده‌ها و اثرگذاری آن بر رابطه‌ها، معادله‌ها، و صحنه سیاسی است. در این موضوع ارتجاع ایران با امپریالیسم همسو و هماهنگ عمل می‌کنند.

در چنین اوضاعی، به گمان ما، سازمان‌دهی مبارزات مردم، مطرح کردن خواست‌های توده‌ها، و تعیین تاکتیک و شعارهای صحیح و واقع بینانه در هر مرحله از مبارزه، از اهمیت اساسی برخوردارند. علاوه بر این، ضروری است که همه حزب‌ها و سازمان‌های میهن‌دوست و ترقی‌خواه کشور، به‌دور از پیش داوری و جوسازی‌های ارتجاع، در اتحاد عملی گسترده، بررغم تفاوت‌های موجود بین خود، در جهت دفاع از حقوق و منافع ملی و تامین آزادی و عدالت اجتماعی مبارزه کنند و سیاست‌های رژیم ولایت فقیه را افشا و خنثی سازند.

ادامه "حماسه دوم رهبری" ...

مذکره با آمریکا در روزهای اخیر انتشار یافته‌اند. نامه گروهی از نمایندگان مجلس آمریکا، به تعویق انداختن ارسال لایحه جدید تحریم‌ها برضد ایران، سخنان خامنه‌ای پیرامون تعامل با جهان، و نیز موضع‌گیری رفسنجانی در سالگرد پذیرش قطعنامه ۵۹۸ [قطعنامه در مورد پایان دادن به جنگ عراق و ایران از سوی شورای امنیت سازمان ملل، و پذیرش آن در ۲۹ تیرماه ۱۳۶۷ از سوی ایران، معروف به "نوشیدن جام زهر"]، همگی گویای راهبرد رژیم ولایت فقیه در ارتباط با روی کار آمدن دولت حسن روحانی است.

به هر روی، این کشمکش‌ها در آستانه مراسم سوگند خوردن (تحلیف) حسن روحانی اوج تازه‌ای گرفته است و جریان‌های مختلف "اصول‌گرایان" به منظور حفظ موقعیت‌شان، حرکت به سوی بازسازی امکان‌های‌شان، و تعیین چگونگی مناسبات‌شان با دولت جدید در چارچوب سیاست‌های ولی فقیه، تمام کوشش خود را به کار گرفته‌اند. در این زمینه روزنامه کیهان در بخش "یادداشت روز" این روزنامه، ۱۲ تیرماه، با اعلام "فصل الخطاب" بودن نظرات ولی فقیه، از جمله نوشته بود: "حسن کار آقای روحانی به این است که او تجارب و عبرت‌ها و درس‌های انباشته ۳ دولت موسوم به سازندگی، اصلاحات و عدالت را پیش چشم دارد و نوسان و حرکت هریک از این دولت‌ها را به چشم دیده است... روحانی برخلاف خاتمی بدهکار افراطیون ساختار شکن نیست... آقای روحانی هرچند منتقد دکتر احمدی نژاد بود اما هرگز تفاضل رأی ۱۱ میلیونی وی نسبت به نفر دوم را انکار نکرد... حسن روحانی مسئولیت سنگینی در حوزه چالشی سیاست خارجی و سیاست داخلی بر دوش دارد. رئیس جمهور جدید را باید بطور کامل حمایت و پشتیبانی کرد تا بتواند به مسئولیت سنگین اداره امور اجرایی کشور عمل کند. او را نباید در برابر تهاجم و طلبکاری جبهه نفاق جدید و قدیم تنها گذاشت."

روزنامه کیهان با فاصله زمانی‌ای اندک، در یادداشت دیگری، با تأکید بر حرکت همه جناح‌ها در چارچوب سیاست‌های کلی نظام و دیدگاه ولی فقیه، با صراحت اعلام داشت: "مدتی است تکاپو و تحرک یک طیف سیاسی برای مصدوره گفتمان اعتدال‌گرایی که با انتخاب... روحانی به عنوان رئیس جمهور منتخب نضج گرفته، سرقلی جماعتی شده است که سابقه و کارنامه شان بیرون از بستر اعتدال بوده است... باید گفت دولت یازدهم رسالت سنگینی را برعهده دارد... دولت یازدهم باید تعریف و دایره اعتدال‌گرایی را در دستور کار داشته باشد تا راه نفوذ و سوء استفاده را بر فرصت طلبان و تشنگان قدرت ببندد."

موضع‌گیری‌هایی این گونه، با این محتوا و سمت‌یابی فکری و سیاسی، از سویی با هدف حفظ جایگاه اصول‌گرایان در قدرت اعلام می‌گردد، و از دیگر سو مانوری حساب شده برای وادار کردن اصلاح طلبان به عقب‌نشینی‌های بیشتر و نگاه داشتن‌شان در موضع ضعف، قلمداد می‌شود. چنین مانورها و اقدام‌های دقیق سیاسی، در خدمت حفظ کردن و اعتبار بخشیدن به جایگاه ولی فقیه در وضعیت کنونی و مناسبات تغییر یابنده و سیال جناح‌های حکومتی است. به‌علاوه، هسته مرکزی و کانون این تاکتیک واپس‌گرایان، مقابله با جنبش مردمی و جلوگیری از بازسازی بدنه اجتماعی آن بوده و هست. به‌دیگرسخن، این سیاست و برنامه، بخشی از هدف‌های راهبردی رژیم ولایت فقیه و شخص ولی فقیه برای مهندسی جنبش اصلاحات و آرایه تعریف و ماهیتی جدید از خواست‌های اصلاح طلبان در چارچوب مقاصد "رهبری" است. نکته نسلی برای رژیم ولایت فقیه، جلوگیری از حضور دوباره توده‌ها در صحنه سیاسی کشور و طرح خواست‌های‌شان است. واپس‌گرایان هرگز از کابوس مبارزات دلبرانه مردم در مقابله با کودتای انتخاباتی رها نشده‌اند و بیش از هر مسئله دیگری خاموش کردن صدای حق طلبانه توده‌های وسیع مردم در اولویت آنها قرار دارد. براین مبنا، اعلام نظر‌ها و سیاست‌هایی که، تغییر فضای سیاسی و مبارزه برای طرح کردن خواست‌های مردم در اوضاع کنونی را "بالا بردن سطح توقعات" می‌داند و معرفی می‌کند، به هیچ روی به سود منافع مردم و خواست‌شان برای تغییر - که در انتخابات

ادامه "نولیبرال" های وطنی...

از وارد شدن به موضوع اصلی، چند اظهار نظر در ارتباط با روی کارآمدن حسن روحانی را لازم می‌دانیم. روزنامه بهار، ۲۹ تیرماه، مصاحبه‌یی را با زهرا شجاعی - مشاور خاتمی و رئیس سابق مرکز امور مشارکت زنان - انجام داد که در آن به تبیین و بررسی انتخابات ریاست جمهوری اخیر پرداخته است. زهرا شجاعی در پاسخ به این سوال که، چطور از رای مردم در این دور از انتخابات حراست شد؟ می‌گوید: "فکر می‌کنم که نظام به درجه‌ای از عقلانیت رسید که دیگر نخواهد هزینه‌ای مشابه هزینه‌ای را بپردازد که در ارتباط با حوادث سال ۸۸ پرداخت کرد. از طرف دیگر گزینه آقای روحانی گزینه نامطلوبی برای نظام نبوده و نیست. پس اول نظام به این نتیجه رسید که می‌تواند با آقای روحانی کار کند، دوم، تحمل و طاققت پرداخت هزینه‌های جدید را نداشت." مهدی نصیری - کیهان‌نویس سابق - که خبرنگار این، ۲۴ تیرماه، در مصاحبه‌یی او را حاشیه نشین قلمداد می‌کند، و خودش می‌گوید که از سیاست بی‌اطلاع نیست، درباره انتخاب روحانی می‌گوید: "نتیجه انتخابات اخیر برای من کاملاً غیرمنتظره نبود و من احتمال قابل توجه رأی آوردن آقای روحانی و یا عارف را می‌دانم و در خواب خوش برخی اصولگرایانی که خود را برای همیشه تاریخ ایران برنده انتخابات می‌دانستند، نبودم. قبل از انتخابات به برخی دوستان گفته بودم که علی‌رغم آنکه به روحانی یا عارف رأی نمی‌دهم اما رأی آوردن یکی از این دو را خلاف مصلحت کشور نمی‌دانم و البته رد صلاحیت آقای هاشمی را نیز به مصلحت نمی‌دانستم." کیهان‌نویس سابق، در جایی دیگر، باز هم می‌گوید: "... آقای روحانی اگر چه شخصیت آرمانی من برای ریاست جمهوری نیست اما واقعیت‌هایی که با آن مواجه هستیم من را به این نظر می‌رساند که انتخاب او بهترین گزینه بوده است." حبیب‌الله عسگرآبادی - دبیرکل جبهه پیروان خط امام و رهبری - نیز گفته که، او به روحانی رأی نداده. اما: "... آقای روحانی در میان شش نامزد حاضر در انتخابات، خیرالموجودین است" (روزنامه خراسان، ۲۹ تیرماه). البته در آینده ما قاعدتاً باید شاهد اظهار نظرهای بیشتری شبیه به این باشیم، اما برای اینکه چشم‌انداز ماه‌های پیش رو بیشتر مشخص شود، سخنان "شمس‌الواعظین" از روزنامه‌نگاران نزدیک به طیف رفسنجانی - نیز کمک کننده است. شمس‌الواعظین در مصاحبه با روزنامه آرمان، ۸ تیرماه، در زمینه اولویت‌های اصلی روحانی می‌گوید: "توسعه سیاسی مهم است اما در بخش‌های بعدی مطالبات نردبانی قرار دارد. بحث توسعه سیاسی الان پیشکش دولت باید باشد. ... واقعا الان اولویت مطالبات مردم سیاسی نیست و در کوتاه‌مدت آن دست از مطالبات سیاسی می‌توانند مطرح شوند که آرامش عمومی را از جامعه می‌گیرند." شمس‌الواعظین در قسمتی دیگر باز در پاسخ به این سؤال که، به نظر شما باید مسئله توسعه سیاسی کجای برنامه‌های آقای روحانی قرار بگیرد؟ می‌گوید: "مساله توسعه سیاسی بحث امکان فعالیت احزاب و مسایلی از این دست همواره از نکات مورد تاکید ما بوده و باید به آن سمت برویم، اما در این شرایط نمی‌توان آن را در دستور و اولویت قرار داد چون اولویت‌های دیگری است که باید رسیدگی شود. مشخصاً پیام مردم در انتخابات اخیر یک پیام اقتصادی بوده و نه یک پیام سیاسی و باید این را درک کنیم." از معنای نهفته در این گفته‌ها باید این برداشت را کرد که: مسئله‌هایی همچون آزادی زندانیان سیاسی، برداشتن فشار از روی مطبوعات، و اجازه فعالیت دادن به تشکل‌های کارگری، دانشجویی، و زنان، در محاسبه‌های پیش رو به هیچ‌وجه مد نظر نیستند. سخنان حسن روحانی نیز در این باره تا حد زیادی وضعیت پیش رو را مشخص کرده است. حسن روحانی در دیدار با فرماندهان دوران جنگ، در بخشی از سخنانش که گفته می‌شود به موضوع آزادی زندانیان سیاسی و به‌طورمشخص میرحسین موسوی و کروبی اشاره داشت، گفت: "پیام انتخابات این بود که افراطی‌گری و شکاف و اختلاف ما را به جایی نمی‌رساند بلکه تعقل و وحدت ما را به پیروزی و هدف نهایی می‌رساند. چرا اشتباه یک نفر، و یا یک گروه را کش می‌دهیم؟ ... به فکر اهداف بلند و آینده باشیم، همه ما ممکن است اشتباه و خطایی کرده باشیم، طرف می‌گوید من طرفدار نظام هستم، ما به‌زور می‌گوییم نیستی، خیلی واقعاً خنده دار است، [می‌گوید] من تابع ولایت فقیه هستم به‌زور می‌گویند تو نیستی، چرا این کار را می‌کنیم. ... برای آنها که آماده بازگشت هستند راهشان را تسهیل کنیم چون توبه برای همه است" (روزنامه خراسان، ۲۷ تیرماه). بنابر این‌گونه نظرهای ابراز شده، آزادی زندانیان سیاسی شرط‌هایی دارد که ابراز ندامت و توبه کردن، از جمله موردهایی است که زندانیان

سیاسی باید به آن تن در دهند. نتیجه اینکه، در روند امور پس از انتخابات مهندسی شده ولی فقیه، و در اعتدال اعلام شده و مورد نظر، نه صحبتی از توسعه سیاسی و فعالیت دوباره نهادهای مدنی در میان است و نه چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای برای آزاد کردن زندانیان سیاسی. همان‌طور که از صحبت‌های "شمس‌الواعظین" هم پیدا است، توجه دولت آینده و حاکمیت به مشکل‌های اقتصادی است. با همه این تفسیرها، اگر این تحلیل را بپذیریم که، بهبود وضعیت اقتصادی مشغله ذهنی و معضل اصلی میلیون‌ها تن از زحمتکشان میهن است، آن‌گاه این سوال پیش می‌آید که، رویکردهای در نظر گرفته شده از سوی آقایان چه تغییرهای امید بخشی را برای زحمتکشان می‌توانند به‌همراه داشته باشند؟

روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۶ تیرماه، در گزارشی درباره دیدار اعضای "اتاق بازرگانی" با روحانی، و در اشاره به درخواست اعضای این اتاق برای "هماهنگی درونی بین تیم اقتصادی دولت آینده و مشورت‌خواهی [این تیم] از فعالان و نخبگان اقتصادی کشور" - که از این امر در حکم دو مطالبه جدی بخش خصوصی از رئیس جمهوری جدید نام برده شده است - به نقل از روحانی، نوشت: "من اعتقاد دارم دولت باید ناظر و سیاست‌گذار دقیق باشد و از اقتصاد دستوری پرهیز کند و فرصت بدهد فعالان اقتصادی امور تصدی‌گری را به دست بگیرند تا آزاد سازی اقتصاد محقق شود." جالب اینکه در این دیدار، نمایندگان "اتاق بازرگانی" حتی از روحانی خواستند در تعیین [برگزیدن] استانداران نگاه اقتصادی را، و نه صرفاً نگاه سیاسی را، مد نظر قرار دهد. یعنی اینکه، استانداران آینده در رابطه تنگاتنگ با "اتاق بازرگانی" انتخاب شوند. یک روز پیش از انتشار این گزارش، روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۵ تیرماه، مقاله علاءالدین میرمحمدصادقی - عضو هیئت رئیسه "اتاق بازرگانی" - را انتشار داد که دیدگاه‌های این نهاد انگلی را به روشنی آشکار می‌سازد. علاءالدین میرمحمدصادقی می‌نویسد: "ادبیات اقتصادی که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی بهمن ۱۳۵۷ در ایران تولید و در سطح جامعه انتشار یافت، عموماً به وسیله انقلابیون بود که حامل دیدگاه و ایدئولوژی چپ‌گرایی و ملی‌گرایی بودند. این انقلابیون که بعدها برخی از نیروهای مذهبی نیز به آنها پیوستند، به دلایل گوناگون نوعی ادبیات اقتصادی را تولید و توزیع کردند که در آن تجارت، فعالیت مضموم و تاجران افرادی نامطلوب معرفی شدند. این حاملان و تولید کنندگان ادبیات اقتصادی اواخر دهه ۱۳۵۰ که توانسته بودند برخی مسئولان در اوایل دهه ۱۳۶۰ را با خود همراه کنند، تولید را با هر قیمت، تحت هر شرایط و با هر نوع مالکیتی مقدس جلوه دادند. ادبیات اقتصادی تولید شده توسط انقلابیون حرفه‌ای دهه اول انقلاب با کمی تعدیل، هنوز در بعضی اذهان نهادینه شده است. ... در هفته‌های اخیر و با نزدیک شدن به شروع کار دولت جدید زرمه‌هایی شنیده می‌شود که تولید را به هر قیمت باز دیگر در رأس و کانون تصمیم‌گیری‌های کلان قرار می‌دهد. نوشته حاضر هرگز قصد انکار مفید بودن تولید را ندارد یا عمدی ندارد که بخواهد تجارت را تاج سر اقتصاد کند، اما بیم آن را دارد که بار دیگر موضوع کهنه شده دهه ۱۳۶۰ قالب‌های دیگر تکرار شود." ارگان‌های تبلیغی این انگل‌های اقتصادی ملامال از مطلب‌های خوش‌ظاهر و فریبنده‌اند، اما مقاله میرمحمدصادقی پرده حیا را دریده و بی‌پروا به دفاع از سیاستی برمی‌خیزد که حاصلی جز نابودی تولید ملی نداشته است. با توجه به تحریم‌های شدید اقتصادی که زمینه‌های تجارت با دیگر کشورها را محدود کرده است، سخنان میرمحمدصادقی به روشنی نشان می‌دهد که در واژگان اعضای این نهاد انگلی و ارگان‌های تبلیغی‌شان [و نیز در عمل‌شان] آن چیزی که مهم و در اولویت اصلی است، تأمین منافع این قشرهای انگلی به‌زیان منافع ملی و برضد زحمتکشان میهن و نه چیز دیگری است. از جمله دیگر چهره مطرحی از این سنخ که قرار است در کابینه آینده روحانی نقشی کلیدی داشته باشد، محمدباقرنوبخت است که وظیفه‌اش تنظیم سیاست‌های اقتصادی آینده است. هفته نامه تجارت فردا، ۲۲ تیرماه، مصاحبه‌یی با محمدباقرنوبخت انجام داده است که تا حدی دورخیزهای برنامه‌های این جریان فکری را مشخص می‌کند. نوبخت با اشاره به اولویت "توسعه اقتصادی" در دولت رفسنجانی و "توسعه سیاسی" در دولت خاتمی، مثنی روحانی را بر پایه سیاست اعتدال ارزیابی می‌کند. نوبخت در پاسخ به این سوال: "البته آقای روحانی نخستین رئیس جمهوری است که به صراحت بر لزوم استقرار ساز و کار اقتصاد آزاد تاکید کرده است. حتی آقای هاشمی به صراحت اشاره نکرد که اصول اقتصاد آزاد را قبول دارد اما آقای روحانی در سخنانی که در همایش صدا و سیما داشت، اشاره کرد که "دولت اعتدال به دنبال اقتصاد آزاد مردمی و عادلانه است و دولت باید نظارت، هدایت و حمایت کند." آیا

ادامه "نولیبرال" های وطنی...

دولت آینده یک دولت مدافع اقتصاد آزاد خواهد بود؟" با اشاره به دفاع آشکار روحانی از اقتصاد بازار آزاد، گفت که، "ترکیب بهینه و منطقی از بازار و دولت" را پایه سیاست های آتی قلمداد می کند و ضمن مخالفت با اقتصاد دستوری، درجه بی از دخالت و نظارت دولت در اقتصاد را ضروری می داند. نوبخت این گمانه زنی که دولت روحانی گرایش اقتصادی بازار آزاد را به اجرا درمی آورد را رد کرد و اطمینان داد که، "ایشان از نسخه های رادیکالی" دوری می کند. نوبخت همچنین در این مصاحبه گرایش به اقتصاد نولیبرالیستی و اقتصاد سرمایه داری را به دلیل شرایط نامتعادل [اقتصادی] رد کرد. برای بررسی صحت داشتن یا نداشتن این سخنان و نظرها، گفته های پیشین خود او و دیگر همفکرانش تا حدی دیدگاه های این جریان فکری را روشن می کند.

در کتاب **امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران**، نوشته: حسن روحانی، نوبخت، نهان دینان، و ترکان - رئیس جمهوری و مشاوران ایشان - در فصل دهم (صفحه های ۳۳۵ تا ۳۴۰)، با ترجمه مقاله های برخی از اقتصاددانان نولیبرال و نوکلاسیک، و نقل قول از آن ها، و با یاری گرفتن از نظریات نوبخت درباره قانون کار، به این نتیجه می رسند که: "یکی از معضلات کارفرمایان و کارخانه های کشور، وجود اتحادیه های کارگری است! لذا کارگران باید نسبت به خواسته های کارآفرینان انعطاف داشته باشند. از سوی دیگر یکی از چالش های دیگر قانون کار است که در آن طرف صاحب سرمایه مظلوم واقع شده است. لذا برای افزایش سطح اشتغال و رشد بهره وری و اینکه کارفرما در آینده بتواند باز هم استخدام انجام دهد، باید در قانون "حداقل دستمزد و کف دستمزد" تغییر ایجاد کرد و به کارگر و کارفرما اجازه داده شود که در دستمزدهای پایین تر و با مزایای اجتماعی ناچیزتر برای یکدیگر کار کنند و آزادی های اقتصادی نباید محدود گردد." این نقل به مضمون ها با عبارت مستقیم نویسندگان کتاب، در صفحه ۳۳۶، پایان می یابد، و نتیجه گیری می شود: "یکی از مشکلات، چانه زنی نیروی کار بر سر دستمزد است... چالش دیگر هزینه های اجزای نیروی کار برای کارفرما است." این درحالی است که، نگاه امنیتی به "نیروی کار" در سرتاسر [این] فصل کتاب موج می زند، و گویا در این بحث نیز باید از "نیروی کار"، به لحاظ امنیتی، "تهدید زدایی" کرد. بی شک از چنین ایده هایی، دست کم برای طبقه کارگر، آزادی بیرون نمی آید. مارکس نیز به درستی گفت: "آزادی کالای خوبی است. البته برای طبقاتی که توانایی خریدش را داشته باشند!!".

روزنامه شرق، ۲۹ خردادماه، گفت و گویی با سعید لیلاز - روزنامه نگار مدافع نولیبرالیسم اقتصادی و از مهره های مطبوعاتی طرفدار طیف رفسنجانی - انجام داد که در پاسخ به این سوال که، مانع های پیش روی دولت روحانی برای بسط آزادی اقتصادی را چه مورد هایی می دانند؟ لیلاز گفت: "... اقتصاد دولتی یعنی اتلاف منابع. افزایش بهره وری مستلزم میداندار شدن بخش خصوصی و ارتقای آزادی های اقتصادی است. این مسئله مستلزم خروج نیروهای غیر مرتبط از حوزه اقتصاد است. ... عزت و احترام نیروها در رقابت کردن و کنار زدن بخش خصوصی نیست." لیلاز بنا بر این مصاحبه، همچنین اعتقاد دارد که، ایران در سال ۱۴۰۰ [خورشیدی] کشوری نیرومند در حوزه های گوناگون خواهد بود. روزنامه اعتماد، ۲۶ تیرماه، سخنانی از رفسنجانی انتشار داد که در آن، او ضمن اشاره به آخر کار دولتش موسوم به دولت سازندگی و اینکه [در این دولت] به زیر ساخت های کشور در همه بعدها توجه شد و بیکاری ۱۶ درصدی سال ۶۸ به ۹ درصد در سال ۷۶ رسید، گفت: "بخش خصوصی با نیروهای مجرب و روحیه ای که برای کار بیشتر و رقابت سالم تر در فضای اقتصادی دارد، می تواند بسیاری از مشکلات کشور را حل کند." رفسنجانی در گفت و گو با خبرنگاری ایسنا، ۲۵ تیرماه، نیز در زمینه رویکردهای اقتصادی گفت: "در جلسه ای که من و سران سه قوه خدمت رهبر انقلاب بودیم، ایشان با اوقات تلخی فرمودند که من از اصلاح سیاست های اصل ۴۴ انتظار یک انقلاب اقتصادی داشتم، ولی در چند سال گذشته چیزی نمی بینم. ... علاوه بر موارد اصل ۴۴، با اینکه در سیاست های اصل ۴۴ آورده بودیم که در ظرف پنج سال دولت تمام کارهای تصدی گری که خودش به عهده گرفته که در صدر اصل ۴۴ نیست، باید همه را واگذار کند، نه تنها این کار نشده، بلکه تعهدات هم زیاده تر شده است." روزنامه دنیای اقتصاد، ۲۹ تیرماه، یادداشتی از یحیی آل اسحاق چاپ کرد که در آن، او با اشاره به سفر هیئت "اتاق بازرگانی" به ارمنستان، نوشت: "... ما دیدیم اگر دولت ها به بخش خصوصی میدان بدهند حتی ما می توانیم در عرصه دیپلماسی به خصوص در زمینه دیپلماسی اقتصادی به دولت کمک کنیم." عجیب نبود که بعد از مصاحبه "جک استراو" - وزیر خارجه سابق دولت بریتانیا - با "بی بی سی" فارسی، اسداله عسگر اولادی هیجان زده شد و با اشاره به بهبود روابط با بریتانیا و گفت و گوی مستقیم ایران با آمریکا و در پاسخ به این پرسش که، آیا حاضر است "اتاق بازرگانی ایران و آمریکا" را تأسیس کند؟ گفت: "هر وقت از من خواستند با جان و دل پا به میدان می گذارم و برای تأسیس اتاق بازرگانی ایران و آمریکا تا دفتر مقام معظم رهبری و دفتر پارک اوباما هم می روم" (تابناک، ۲۵ تیرماه).

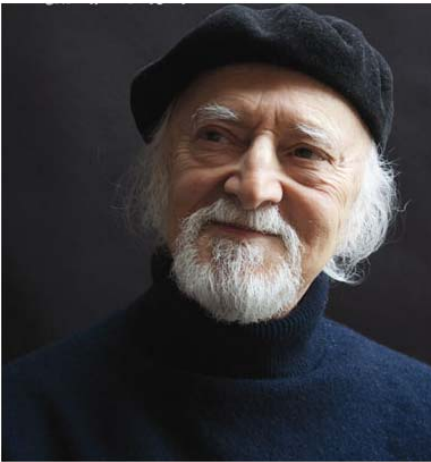
ادامه گفت و گو با رهبر سندیکای کارگران ...

طبقه کارگر ترکیه تا چه حد متشکل است (از لحاظ سازمان یافتگی در سندیکاها)؟ به عبارت دیگر، چند درصد از کارگران ترکیه در سندیکاهای کارگری رسماً ثبت شده و مستقل عضوند؟

مصطفی اوزتاشکین: به علت نبودن امنیت شغلی در ترکیه، معمولاً کارگران از ترس اخراج مجبورند به طور پنهانی و دور از چشم کارفرمایان به سازمان دهی و تشکیل سندیکا و عضو شدن در آن دست بزنند. در ترکیه، پس از آنکه ۴۰ درصد کارگران یک صنعت تشکل در سندیکا را خواستار می شوند، یا پس از درخواست ۵۱ درصد کل کارگران یک واحد برای پیوستن به یک سندیکا، آنگاه سندیکا می تواند مذاکره درباره تنظیم یک قرارداد دسته جمعی را با کارفرما به پیش برد و به انجام رساند. همان طور که گفتیم، به علت ترس از تهدیدهای کارفرما به اخراج، در صورت اطلاع از فعالیت سندیکایی، سندیکاها معمولاً به طور پنهانی و بیرون از محل کار با کارگران تماس می گیرند تا توافق آن عده یا درصدی از آنان را که پیش تر به آن اشاره کردم، به دست آورند. تماس با کارفرما و باخبر کردن او از خواست کارگران برای پیوستن به سندیکا و آغاز مذاکره با کارفرما برای تنظیم قرارداد دسته جمعی فقط پس از این مرحله امکان پذیر است. عضوگیری سندیکاها از میان کارگران همچنین مستلزم پرداخت مبلغی به عنوان ثبت عضویت است. میزان تشکل کارگران در بخش های معین اقتصاد در ترکیه، امروزه فقط در حدود ۹ درصد است.

آیا در ترکیه "مسئله"یی به نام کارگران خارجی (غیر ترکیه ای) وجود دارد؟ رویکرد و برخورد سندیکاهای ترکیه نسبت به کارگران خارجی چگونه است؟

مصطفی اوزتاشکین: تعداد کارگران مهاجر ثبت شده که در ترکیه مشغول به کارند، روز به روز افزایش می یابد. نمی شود گفت که سندیکاها سیاست ویژه یا معینی نسبت به این کارگران دارند. فقط به طور کلی می توان گفت که در زندگی روزمره، همه کارگران به طور طبیعی گرایش به محافظت از شغل خود دارند و نمی خواهند آن را از دست بدهند. اما در مورد برخورد سندیکاها با کارگران خارجی، همان طور که احتمالاً شما هم در نظر داشتید و این سؤال را مطرح کردید، بگویم که یکی از کارهایی که سندیکاها می کنند این است که ببینند آیا کارگران مهاجر اجازه کار دارند یا نه. اگر اجازه کار داشته باشند، طبیعی است که می توانند کار کنند و عضو سندیکا شوند. مطابق قانون جدید "سندیکاها و قراردادهای دسته جمعی" که در آغاز صحبت هایم به آن اشاره کردم، آنان حتی می توانند سندیکای خود را تشکیل دهند. اما در مجموع باید بگویم که سندیکاها به طور کلی میان کارگران ترکیه ای و کارگران مهاجر تفاوتی قائل نیستند و سیاست های متفاوتی در این مورد ندارند. برای مثال، برخی از سندیکاها توجه و تمرکز ویژه ای بر روی کارگران زن یا جوانان دارند، اما هیچ واحد یا بخش یا سیاست ویژه ای در مورد کارگران مهاجر ندارند و با آنان همان طور رفتار می کنند که با کارگران ترکیه ای. یک نکته دیگر را هم اضافه کنم و آن اینکه، همان طور که "رؤیای آمریکایی" زمانی ورد زبان ها بود، امروز در ترکیه هم "رؤیای زندگی ترکیه ای" می وجود دارد که بسیاری از کارگران مهاجر به امید آن به اینجا می آیند. آنان اگر بتوانند کاری با دستمزد یا حقوق خوب پیدا کنند، خوشحال و سرخوش خواهند بود، والا روزهای سختی را خواهند گذراند. متأسفانه ما آماری زیادی در مورد میزان اشتغال و آسایش زندگی کارگران مهاجر، یا به طور کلی کارگران شاغل در ترکیه، در اختیار نداریم.



خورشیدی اش
تأثیر گرفته از
کارگردانی هم
چون دکتر
مهدی فروغ
و دکتر دیویسن
بوده است. با
این همه اما
گستره ی دانش
تأتری او از
سپهر این هر دو
فراتر می رود و
از فراخایی در
اندازه های یک
کارگردان
نواندیش،

آفرینش گر، شیوه مند و صاحب سبک سربرمی کشد. در جهان نگرایی وی که سهمی سترگ در پردازش نمایش های او دارد، فلسفه ی علمی و باور به سوسیالیسم و جهان انسانی شده نقشی شگرف دارد. رفیق خسروی در جایگاه عضویت در حزب توده ی ایران به آرمان های این حزب کهن و مردم آئین در کاربست جامعه ی انسانی - سوسیالیستی باور دارد و پاک دلانه در این راه پر سنگلاخ می کوشد. او انسانی است فروتن و مهربان و باگذشت که در راه رهایی و سربلندی توده ها فداکارانه گام برمی دارد.

شخصیت تأتری کارگردان

رفیق خسروی کارگردانی است اندیشمند و صاحب سبک. چندان که گفته اند اگر متدولوژی و روش شناختی او در هنرهای نمایشی کاربردی گسترده تر یابد می تواند از یک سبک هوش مندانه در زندگی هنری وی به مکتبی تازه در تأثر نوین ایران فرارود. (عطا کوپال، چپستا، سال ۱۳۷۱، ص ۵۷۶ به بعد)

این کارگردان توده ای و مردم انگار را هم چنین هنرمندی بازیگر ساز دانسته اند که به همان اندازه نیز به پیام گیران (مخاطبان) نمایش های خود بها می دهد و تأثر را نه تنها برای روشن اندیشان و نخبگان جامعه که برای توده ی مردم می خواهد. برای نمونه وقتی نمایش حکومت زمان خان را بر صحنه آورده بود پیام گیران آن را توده مردم دانست و گفت: "به باور من آن ها هم حق دارند از تأثر بهره بگیرند. همه اش که نمی شود روشن فکرها را در نظر داشت... تازگی ها اداهای روشن فکرانه کمی بیشتر شده است. مردم انتظار دارند کارهای نمایشی دارای ارزش های جهانی باشند."* از این دیدرس اما وی در گزینش متن های نمایشی نه تنها به سوبه های مردم باورانه ی آن پر بها می دهد که برای رسیدن به دیدگاه های تازه ی هنری - در فرایند کار تأتری - نیز ژرف کاو و سخت کوش است. به ویژه آفرینه های نمایشی وی تا سال ۱۳۴۷ برتابنده ی پی کاوی های او در دست یابی به سبک و دبستان ویژه ی هنری اوست. هم از این رهگذر است که او را کارگردانی مولف دانسته اند که اگر در گزینش نمایش نامه ها هیچ مرز و تنگ نایی نمی شناسد اما هر دیده وری با اندک آشنایی به مولفه های تاتر او می تواند شخصیت کم مانند هنری وی را در میزان - سن ها و فضا سازی های هنری وی بازشناسد. نگاه کنید به نماد نردبان در بیشتر نمایش های دکتر خسروی که برتابنده ی فرانگری، استعلا ی هنری و اجتماعی، فراخ کاوی، اوج گیری و پرواز در آسمان آبی و ناپیدا کرانه ی آزادی در جهان انسانی شده و بر کنار از طاعون سرمایه است. چنین است که در گزینش متن های نمایشی به روان مایه های انسانی شان می اندیشد و می گوید: من هر نمایش نامه ای را که خوش آیندم باشد بر صحنه می آورم و برابرم هیچ مهم نیست که ایرانی باشد یا انیرانی (خارجی).

متدولوژی و شیوه شناخت نمایشی

بزرگداشت رفیق دکتر رکن الدین خسروی:

هنرمندان تأثر به جای ما می خندند، می گریند

و حتا می میرند

مردی که گیسوان اش را خاک مهربان ها و صحنه های نمایشی سپید کرده اما در گردهمایی بزرگداشت خود آرام گرفته بود و جز سپاس داشت برگزارکنندگان و گردهم آمدگان به این آئین هنری سخنی نگفت! انگار که از آرامش فروتنانه اش هزار گونه سخن برای گفتن و شنفتن برمی تافت. هم چون **لائوزو** که می گفت: *وز تهی است سرشاری و یک تصویر به هزار واژه می آرزد.* و راستی را هم که او در ده ها جستار ژرف کاوانه ی تأتری اش و نیز در انبوه نمایش هایی که بر صحنه آورده از انسان و جهان انسانی - آرمانی اش فراتر از یک دماوند سخن گفته بود. هنرمند مردمی - آری - حرف خود را از زبان هنرش می گوید و او هر آن چه را که باید گفته می شد در گذران ۶۰ سال کار پی گیر تأتری اش گفته بود.

سیسرون گفته بود *بگذار تاریخ خود سخن بگوید و او از زبان هنرهای نمایشی همواره سخن خود را گفته است:* "ما بر صحنه های روشن تأثر است که نقش آرمانی خود را می بینیم و از حقیقت وجود خود آگاه می شویم..."

سخن از بزرگداشت **رفیق دکتر رکن الدین خسروی** کارگردان برجسته ی تأثر ایران در *دانشگاه سواس لندن* است که به کوشش *انجمن سخن* (۱۸ خرداد ۱۳۹۲) برگزار شد و انبوهی از هنرمندان و دوست داران هنرهای نمایشی در آن گردهم آمده بودند.

زیست نامه

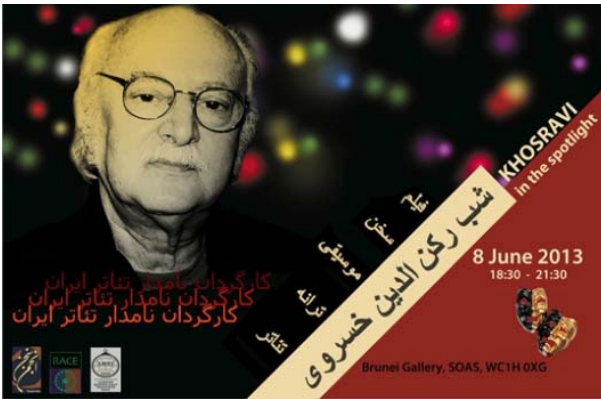
رفیق رکن الدین خسروی - زاده ی ۱۶ اسفند ۱۳۰۸ تهران (۷ مارس ۱۹۳۰) - در سال ۱۳۲۷ خورشیدی از دبیرستان البرز تهران دیپلم گرفت و سال پس از آن راهی *دانشکده ی حقوق دانشگاه تهران* شد. وی اما در سال ۱۳۲۹ تغییر رشته داد و به *دانشکده ی ادبیات دانشگاه تهران* رفت. در سال ۱۳۳۴ در کلاس های شش ماهه ی تأثر *دانشگاه تهران* که **دکتر دیویسن** (استاد تأثر دانشگاه های آمریکا) مدرس آن بود به آموزش هنرهای نمایشی پرداخت. آن گاه در شمار نخستین دانش جویان کلاس های هنرپیشگی و کارگردانی **دکتر مهدی فروغ**، این رشته ی هنری را پی گرفت.

نخستین کار تأتری اش بازی در نمایش **پدر آگوست استرینبرگ** بود که **دکتر فروغ** آن را ترجمه و کارگردانی کرده بود. سپس در نمایش های *دوزخ ژان پل سارتر* (۱۳۴۱) و *آندورا* به کارگردانی **دکتر حمید س. م. نر بیان** نقش آفرینی کرد.

رفیق خسروی با گشایش *دانشکده ی هنرهای دراماتیک* که خود نیز از پایه گذاران آن بود، در کنار تدریس تاریخ ادبیات روم و یونان، به آموختن رشته ی بازیگری و کارگردانی در همین دانشکده روی نمود و سپس دانش رشته (فارغ التحصیل) این دانشکده شد. در سال ۱۳۴۹ به انگلستان رفت و دوره ی کارشناسی (تخصصی) تدریس تأثر را در مدرسه ی *دراما سنتر لندن* گذراند. مدرسه ای که **پیتر بروک** کارگردان صاحب سبک انگلیسی ریاست افتخاری آن را داشت. وی که در سال ۱۳۵۲ به ایران بازگشته بود سال ها بعد برای فراگیری رشته ی کارگردانی تأثر به انگلستان بازگشت و در همین رشته دکترا گرفت.

دکتر خسروی، استاد پیشین دانشگاه در ایران، در گستره ی کارگردانی تأثر هنرمندی است مولف و صاحب سبک که بر سه نسل از کارگردانان و بازیگران ایرانی تأثیر گذاشته است. وی در گذران شش دهه کار تأتری خود نمایش نامه های کسانی هم چون **دکتر غلام حسین ساعدی**، **اکبر رادی**، **آرمان امید**، **منوچهر رادین**، **رجب محمدین**، **محمود کویر**، **آنتوان چخوف**، **برتولت برشت**، **سروانتس**، **سوفوکل**، **یوجین اونیل**، **ساموئل بکت**، **داریوفو**، **آرمان گاتی**، **ژان پل سارتر** و... را در کمال پختگی بر صحنه برده است.

منتقدانی چند گفته اند که وی به ویژه در کارهای دهه های ۳۰ و ۴۰



در عین وفاداری به متن نمایش، برخی از عنصرهای نمادین و نشانه مند آن را برای بزرگ نمایی سوبه های هنری و مردمی آن برمی کشد و برجسته سازی می کند. از این رهگذر اما متن نمایش نمودارتر می شود و برداشتی دیگرگونه و نو از آن به دست می آید. در این راستا او به نور و میزان - سن پر بها می دهد و با دگرگون سازی این هر دو، مفاهیم نمایشی را برمی تابد.

کارگردان بازیگر ساز

رفیق دکتر خسروی کارگردانی است بازیگر ساز. این را منتقدان و شاگردان و شفیقتگان نمایش های وی همواره گفته اند. ژرف نگری و تیزهوشی او از یک سو و شناخت پردامنه اش از شیوه های بازی گیری در دبستان های تئاتر **لستائیسلاوسکی** و **برشت** و **مه برهولد** و دیگران به وی این میدان را داده است که با کشف توانایی های هر بازیگر، بازی ها را به گونه ای نبوغ آسا پیرورد و فرارویاند. **دکتر مسعود دلخواه** از دانش جویان رفیق خسروی در دانش - کنده ی هنرهای دراماتیک و بازیگر گوشه نشینان آلتونا ی وی گفته است که فرق این استاد با دیگران در بازیگر ساز بودن او است. حتا بازیگرانی که در کار با دیگر کارگردانان درخششی نداشته اند در نمایش های وی شکوفا می شوند و می بالند. **دکتر کوپال** نیز این سوبه از نبوغ هنری استاد را برمی کشد و می گوید: اساسی ترین عنصر کار وی - که گوهر تئاتر به شمار می رود - در آن است که وی هیچ هنرپیشه ای را در هیچ لحظه ی اجرا به حال خود نمی گذارد. در پشت این تلاش پی گیرانه اما فرم های گونه گون و زیبایی تئاتری که برتابنده ی احساس درونی همه ی لحظه های نمایش نامه اند پدید می آیند.

راست این است که در هنرهای نمایشی نقش های ویژه و نابویه وجود ندارند و رفیق خسروی از این دیدرس هنری به همه ی بازیگران اش اهمیت یک سان می دهد. وی در شش دهه ی گذشته شاگردانی را پرورده که بیشترشان از به ترین های دیروز و امروز کشورند: **علی حاتمی**، **رخشان بنی اعتماد**، **بهرروز بقایی**، **آزیتا حاجیان**، **رویا تیموریان**، **دکتر مصطفی مختاباد**، **جمشید جهان زاده**، **گوهر خیراندیش**، **سعید نیک پور** و و سرانجام بشنویم از **سیمین خسروی** هم سر فرهیخته ی این کارگردان نوافرین که در نشست بزرگ داشت وی در دانش - گاه سواس لندن از جمله گفت: زمانی که دانش - جوی دانشکده ی دراماتیک بدم با رکنی آشنا شدم و در نمایش آنتیگون **ژان آنوی** در نقش ایسمن، خواهر آنتیگون ظاهر شدم. اما انگار این بازی ام آن قدر بد بود که رکنی (خسروی) دیگر هیچ گاه پیشنهاد بازی به من نداد و برای آن که دل ام را نشکسته باشد به من پیشنهاد ازدواج داد.

درباره ی کارگردان

پیرامون شخصیت هنری رفیق خسروی به جز نوشته ها و جستارهای رسانه ای، کتابی به کوشش **وحید ایوبی** به چاپ رسیده که شناسنامه اش چنین است:

ادامه در صفحه ۱۱

ادامه در بزرگداشت رفیق دکتر رکن الدین خسروی...

رفیق خسروی با آگاهی ژرفامند از نمایش های تراجدیسیونالیک و سنتی ایرانی اما سبک ها و تکنیک های تأثر مدرن جهان را به خوبی می شناسد و با درامیزی روش مند این همه به همان شیوه ی نوآورانه ی خود در آستانه ی یک مکتب نوین نمایشی دست می یابد. هم از این دیدرس اما ویژگی ها و روش مندی تأثر شناخت شناسانه ی وی را می شود با ارزش آفرینی های نمایشی پدر تأثر نوین ایران **رفیق دکتر عبدالحسین نوشین** هم - سنجی کرد و وی را **سغرات** (سقراط) تأثر ایران نامید. **آرنولد توین** بی گفته بود: "به سغراتی تازه نیازمندیم که ما را به خود بشناساند." و خسروی با کوششی خستگی ناپذیر در فراخای آگاهی فزایی و شناخت انسان ها اما در پهنه ی کار نمایشی سغرات وار می نماید. کارگردانی که در باره اش گفته اند واپسین پرده ی هر نمایش اش آغاز پرده ای دیگر است، در سپهر تئاتری **چخوف** و **برشت** و **بکت** و **یونسکو** و **آرابال** و **سارتر** و **ژان آنوی** و دیگران گام برمی دارد و به سخن **عطالله کوپال** - نمایش نامه نویس و استاد دانش گاه - همه ی مکتب ها و سبک های نمایشی را به نیکی می شناسد: از **کنستانتین استائیسلاوسکی** و **مه برهولد** و **برشت** گرفته تا **گروتوسکی** و **پیتر بروک** و دیگران و این همه را یک به یک بر صحنه آورده است. به گفته ی کوپال، **پیش از این ها - همه - کارهای برشت را دکلمه وار اجرا می کردند مگر خسروی که برای بار نخست برشت را به مانش و مفهوم برشتی آن بازآفرینی کرد.** وی هم چنین عنصرهای مهم و شگرف را در روان مایه های نمایشی برمی کشد و از دیدرس فلسفه ی علمی و رئالیسم سوسیالیستی می پرورد و می گسترند. نگره ای در تأثر سیاسی نوین ایران که به ویژه در دهه ی ۴۰ خورشیدی سر به اوج برداشت اما جان مایه های هنری را هرگز پایمال سیاست زدگی نکرد.

دکتر خسروی در هر کار نمایشی حتا از بزرگ ترین نمایش نامه نویسان جهانی، خودایسایی (استقلال) هنری خود را وانمی گذارد. و به گفته ی **لمتاد کوپال** هر جا لازم ببیند از قوانین متعارف اجرایی در کارهای خود روی برمی تابد و گاه حتا ساختار نمایشی متن را در وانمایی پیام های خود می دگرگونند و بر سوبه های خلاقانه تر و پر ایماژتر آن انگشت می گذارد. (چیست، سال ۱۳۷۱، ص ۵۷۸). بدین گونه او یکایک لحظه های نمایش نامه را نمایشی می کند و به سخن استاد کوپال "به شیوه ای دست می یازد که گسترش آن می تواند به مکتبی در تئاتر ایران بینجامد"، افتخاری دشواریاب که در سپهر هنری هر کارگردانی در نمی گنجد و بستر ساز آن دانش ژرف وی در هنرهای نمایشی و دقت و وسواس علمی اوست. مردی که در اجراهایش از هیچ لحظه ی تأثری بی کارکرد نمایشی (اکشن) در نمی گذرد و این همه را یک سره به بازی می کشد. رفیق خسروی بر گروهی ی (گردنه یا بلندای کوه و تپه) چنین روی کردی اما در کالبد نمایش نامه ها جانی تازه می دمد و نگاره ها و صحنه ها و حتا کاراکترهای نو به آن می افزایشد. برای نمونه در **باغ البالوی چخوف**، **دا شسکای لال** - دختر بیشک زمین دار را - که در نوشته ی چخوف تنها نامی از او برده شده بر صحنه می آورد. و به این نیز بسنده نمی کند و کودکی را با پوشاک سپید که نماد نسل آینده است به اجرای خود می افزایشد. وی هم چنین در نمایش **ادیپوس** خود هر دیالوگ - معنا داری را بازآفرینی تصویری می کند تا شگرفای حس نهفته در آن را برتافته باشد. خسروی با تکیه بر متن و گاه حتا با گذار از آن می کوشد لایه های پنهان نمایش نامه را نیز بازآفرینی کند. بی هوده نیست که در باره اش گفته اند که او نگاره ی فرازپویانه (کامل شده ی) کارگردان ایرانی در دهه های ۴۰ و ۵۰ خورشیدی و پس از آن است. پی افکندن میزان سن های نوآورانه و چشم گیر و راه بری گروهی ی بازیگران نمایش ها، سوبه هایی دیگر از توانمندی های آفرینشی دکتر خسروی است. در واکنش (فضای) کارهای وی هیچ عنصر و پدیده ای کم اهمیت گرفته نمی شود. به نوشته ی **اسمتاد کوپال**، دکتر خسروی "سبکی را با عنصرهای معین و شیوه ای استثنایی به تأثر ایران ارمغان کرده و بی گمان این، ارج - مندترین دستاورد هنری یک کارگردان در سال های کمال و پختگی هنری اوست. این سبک که نباید آسان از آن گذشت، کلاسی در کارگردانی سرزمین ما است."

رفیق خسروی در بیشتر نمایش هایش از سراسر صحنه (سن بازی) بهره می گیرد تا بر زیبایی شناختی دیداری (بصری) نمایش ها بیفزاید و به بینندگان کارهایش که هرگز هم دست کم گرفته نمی شوند نشان دهد که گرم دیدن برداشتی نو و دیگرگونه از آفرینه ی نمایشی اند. (سایت روزن). وی

ادامه در بزرگداشت رفیق دکتر رکن الدین خسروی...

گرفتند، به جای ما در گرداب های حادثه می افتند و حتا به جای ما می میرند تا بیاموزیم و از پنداشت این اندیشه که به جای آن ها نبوده ایم آرام گیریم. جهان بی هنرهای نمایش هرگز نمی تواند کانونی انسانی باشد. ما بر صحنه های روشن تئاتر نقش های آرمانی خود را می بینیم و از حقیقت وجود خود آگاه می شویم. چنین باد که صحنه ها هیچ گاه خاموش و متروک نشوند." (کتاب رکن الدین خسروی و نیز سایت تیبان).

رفیق خسروی همچنین در روز ۱۸ مارس سال ۲۰۰۶ به دعوت ائتلاف برای پایان جنگ، در میدان ترافالگار لندن به نمایندگی از سوی کمیته دفاع از مردم ایران (کودیر) پیرامون ضرورت صلح در جهان سخن گفت. در این مراسم که با حضور صد هزار تظاهرکننده صلح خواه برگزار شد، دکتر خسروی با اشاره به سیاست های جنگ افروزانۀ آمریکا، از جمله گفت: "ما چون دمکراتیم، صلح طلبیم. ما با شما در فریاد برای صلح در خاور میانه هم صدا هستیم."

جستارهای پژوهشی

دکتر خسروی در گستره ی پژوهش های نمایشی، انبوهی جستار با ارزش در رسانه های نوشتاری کشور و به ویژه در ماه نامه های چیستا و دنیا (نشریه سیاسی و تئوریک حزب توده ایران) به چاپ رسانده است که گردآوری و چاپ جداگانه ی آن ها می تواند برای دانش-جوینان و پژوهندگان هنرهای نمایشی بسیار سودمند باشد. فهرست زیر دربرگیرنده ی بخشی از این جستارها است:

یادی از **محمد علی جعفری** - مرگ مونتسرا - چیستا، شماره ی ۳۳، آبان ۱۳۶۵.

نمایش های آیینی (۱) خاورمیانه، مصر، یونان، هند، چین، ژاپن و آسیای جنوب شرقی، چیستا، ش ۴۰، خرداد ۱۳۶۶.

نمایش های آیینی ۲، چیستا ۴۱، شهریور ۱۳۶۶.

نمایش های آیینی ۳، چیستا ۴۲، مهر ۱۳۶۶.

نمایش های آیینی ۴، (سیمرغ و جادو - پزشکی، شمنیسم)، چیستای ۴۳، آبان ۱۳۶۶.

نمایش های آیینی ۵، (سیمرغ، زال و جادو - پزشکی)، چیستای ۴۴، آذر ۱۳۶۶.

نمایش های آیینی ۶، (سیمرغ، زال و جادو - پزشکی)، چیستای ۴۵ و ۴۶، دی و بهمن ۱۳۶۶.

نمایش های آیینی ۷، (از ادونیس تا سیاوش)، چیستای ۴۸ و ۴۹، فروردین و اردی بهشت ۱۳۶۷.

خشم خدایان - یادی از **لستاد خالقی** - چیستای ۴۲، مهر ۱۳۶۶.

یادی از **ایرج پزشک نیا** - نویسنده و انسان بزرگ - و پرواز را به خاطر بسپار، چیستای ۴۴، آذر ۱۳۶۶.

تئاتر در بازداشت گاه های شیلی (۱ تا ۴)، نوشته ی مشترک رفیق خسروی و سرچوبوس، چیستا، شماره های ۳۶ (بهمن ۱۳۶۵)، ش ۳۷ (اسفند ۱۳۶۵) و ۳۸ (فروردین ۱۳۶۶).

راه سواران آزادی (یادی از **جهانگیر خان صورسرافیل**)، چیستای ۵۰، خرداد ۱۳۶۷.

مرگ در سپیده دم (به مناسبت نودمین سالگرد تولد **فسریکو گاربه یا لورکا**)، چیستای ۵۱، مهر ۱۳۶۷.

نمایش و نقد نمایش (دو مقوله ی جدایی ناپذیر)، نشریه نمایش، ش ۴۹، آبان ۱۳۷۰.

در گذاری جهان کارگردانی ۱، چیستای ۶۲، آبان ۱۳۶۸.

گذاری در جهان کارگردانی ۲، چیستای ۶۳، آذر ۱۳۶۸.

گذاری در جهان کارگردانی ۳، (آبیا و فضای موزون)، چیستای ۶۴ دی ۱۳۶۸.

گذاری در جهان کارگردانی ۴، (عروسک های بزرگ در نمایش ژاپن)، چیستای ۶۵ بهمن ۱۳۶۸.

گذری در جهان بازیگری ۱، چیستای ۵۵ و ۵۶، اسفند ۱۳۶۷.

گذری در جهان بازیگری ۲ (ماهیت تجربه ی بازیگر بر صحنه)، چیستای ۵۷ و ۵۸، فروردین و اردی بهشت ۱۳۶۸.

کتاب **رکن الدین خسروی**، نشر تجربه، چاپ اول، تهران ۱۳۸۶، ۷۲ صفحه. کتاب خسروی در کنار بررسی نمایش هایی که او در ایران بر صحنه آورده به بازخوردها، دیدگاه ها و نقدهایی بر این اجراها نیز پرداخته است.

هم چنین **مجید بهشتی** نویسنده و کارگردان تماشخانه، این نمایش را با نام **دوم بیوگرافی خسروی**، صاحب نام و مبتکر تئاتر ایران بر صحنه آورده است.

هم چنین در ۲۷ شهریور ۱۳۸۹ انبوهی از هنرمندان و فرهیختگان ایرانی در شب بزرگ داشت وی در تالار رودکی تهران گردهم آمدند. هرچند استاد خسروی خود نتوانست به آئین نکوداشت اش برود اما پیام صوتی او که از راه دور و همراه با خوانش شعر **آدم های نیمه** فرستاده شده بود، موجی از احساسات را در گردهم آمدگان در این آئین برانگیخت. در میان سخن رانان مراسم یکی هم هنرمند برجسته ی سینما و تئاتر ایران **لستاد جمشید مشایخی** بود که در سخنانی از جمله گفت با رکن الدین خسروی از سال ۱۳۶۶ - سال گشایش اداره هنرهای نمایشی - به همکاری پرداخته و در نمایش های **خاموشی دریا** و **گنج** یا جایی که در آن صلیب می گذارند با دکتر خسروی کار کرده است. وی این را هم گفت که خسروی همواره مرد فرهنگ و مطالعه بوده است.

استاد اکبر زنجان پور سخنران بعدی مراسم نیز یاد آور شد که دکتر خسروی به جز توانایی در آموزش بازیگران، آفرینندگی و تخیل خود را نیز به نمایش می افزود. وی به گفته افزود که در نمایش **سیزونه بانسی** مرده است به کارگردانی **خسروی**، ۲۳ نقش گوناگون را بازی کرده است.

استاد جعفر والی نیز در بخشی از سخنان خود گفت که خسروی با دانش، هوش و استعداد خود صمیمانه و بی هیچ مزد و پاداشی به تئاتر ایران خدمت کرده است. وی آموخته هایش را به جوانان می آموخت و میان تئاتر حرفه ای و دانش جویی پلی بسته بود. و سرانجام بشنومیم از زنده یاد **دکتر هوشنگ حسامی** که نوشته بود: "خسروی کارگردانی باهوش و مسلط به ابزار بیانی هنر خویش است. اجرای او از **لحظه بشکوه آقای گیل** دیدنی و در یاد ماندنی است."

و سرانجام این را هم گفته باشیم که در روز چهارشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۹۲ تماشخانه ی سه نقطه ی تهران با پیام ویژه ی دکتر خسروی آغاز به کار کرد. در آئین گشایش این کانون هنری انبوهی از هنرمندان سینما و تئاتر هم چون **جمشید مشایخی**، **جعفر والی**، **ایرج راد** و... گردهم آمده بودند. یکی از تالار های (سالن های) این کانون نمایشی به نام **رکن الدین خسروی** و دیگری **خسروشکیبایی**، بازیگر توانا و فقیه سینما و تئاتر ایران نام گذاری شده اند.

پدید آوردن جهانی نو

رفیق دکتر خسروی در گفت و گویی پیرامون هنرهای نمایشی دیدگاه های خود را در باره ی انسان، جهان و تئاتر بدین گونه بر زبان آورده است:

"تئاتر در جست و جوی حقیقتی است که آدمی را در بر گرفته و وی در همه ی زمان ها با آن روبه رو بوده است. چنین است که جهان، همواره در پویه دگرگونی بوده و از همه شگفت این که انسان خود یکی از دگرگون کنندگان آن است. تئاتر هم چون همه ی نمودهای فرهنگ بشری نقش تاثیرگذار خود را بر این روند نا ایستا ایفا کرده است. هنرمندان تئاتر از سده ها پیش به این سو بر صحنه های نمایش و زندگی، فرایند آرمان خواهی خویش را برای هم نوعان شان به تماشا گذاشته اند. هرگز نبوده است که هنرمندان تئاتر در رنگ پذیری آرمان های اجتماعی نقشی نداشته باشند. اما هنوز یک آرزوی آدمی بر سرلوحه ی همه ی خواست هایش مانده و آن پدید آوردن جهانی انسانی و پیوندهایی آکنده از انسانیت است. تئاتر، تصویر به نمایش درآمده ی این آرمان والا است. هنرمندان تئاتر، مژده بخشان روزهای درخشان تر آینده اند. نویسندگان، کارگردانان، بازیگران و دست در کاران تئاتر قرن هاست قلب های هم نوعان خود را با نوید به آینده ای انسانی تر گرما بخشیده اند. آنان به مخاطبان خود امید داده و ایشان را به دیدن حقیقت و جست و جوی آن فراخوانده اند. اگر لحظه ای گمان کنیم که جهان بی تئاتر چه گونه جهانی می تواند باشد آن گاه رنج هایی را که هنرمندان تئاتر بر خود هموار می کنند، ستایش خواهیم کرد. آن ها به جای ما می خندند و می

ادامه در بزرگداشت رفیق دکتر رکن الدین خسروی...

گذری در جهان بازیگری ۳ (آخرین کشف استاد لستانیسلاوسکی: روش تحلیل جسمانی یا اعمال جسمانی)، چیستای ۵۹ و ۶۰ تیر و مرداد ۱۳۶۸.

ایماژ و ترکیب بندی - کمپوزیسیون در سینما و تئاتر ۱ (گذری در جهان کارگردانی)، چیستای ۶۶-۶۷ اسفند ۱۳۶۸ و فروردین ۱۳۶۹. ترکیب بندی، کمپوزیسیون در سینما و تئاتر ۲ (گذری در جهان کارگردانی - نمایشی در قلمرو فرهنگ ملل)، چیستای ۶۹ خرداد ۱۳۶۹.

رویای سبز، چیستای ۷۰، تیر ۱۳۶۹. **بیتیر بروک**، کارگردان تئاتر و نکته ی متغیر، چیستای ۷۳، آذر ۱۳۶۹.

نقد تئاتر باغ وحش شیشه ای: این روزها، دنیا با رعد و برق روشن شده، چیستای ۵-۷۴، دی و بهمن ۱۳۶۹.

برنولت برنست و روزهای کمون (۱۸۷۱)، چیستای ۸۰، تیر ۱۳۷۰.

خوان مورچه خوار، چیستای ۸۱، مهر ۱۳۷۰. نگاهی کوتاه به لیونیک تاتر، چیستای ۸۵، بهمن ۱۳۷۰.

مکبث یا مبتلای مرگ، چیستای ۹۹-۱۰۰، خرداد و تیر ۱۳۷۲. نمایش و هنر کارگردانی، چیستای ۱۰۱، مهر ۱۳۷۲.

نمایش و هنر کارگردانی (سبک)، چیستای ۳-۱۰۲، آبان و آذر ۱۳۷۲.

نمایش و هنر کارگردانی، چیستای ۵-۱۰۴، دی و بهمن ۱۳۷۲. نمایش و هنر کارگردانی (ارستو، رساله ی هنر شاعری و نمایش)، چیستای ۷-۱۰۶، اسفند ۱۳۷۲ و فروردین ۱۳۷۳.

نمایش و هنر کارگردانی (ارستو، رساله ی هنر شاعری)، چیستای ۹-۱۰۸، اردی بهشت و خرداد ۱۳۷۳.

نمایش و هنر کارگردانی (ارستو، تراژدی و پالایس روان - کاتارسیس)، چیستای ۱۱۰، تیر ۱۳۷۳.

مردی در زیر نور ماه گام برمی دارد، شاعر **پابلو نرودا**، چیستای ۶۰-۵۹، تیر و مرداد ۱۳۶۸.

وداع، شاعر **پابلو نرودا**، چیستای ۶۸، اردی بهشت ۱۳۶۹.

برنولت برنست، مبارز بزرگ راه صلاح و آزادی، مجله دنیا، آذر ۱۳۷۸.

خنده و کملی در جهان جباران تاریخ، مجله دنیا، تیر ۱۳۸۰.

برخی ترجمه ها

درخت گیلان (شانزدهمین روز)، از افسانه های ژاپنی، چیستای ۵۲، آبان ۱۳۶۷.

دوازده شعر ژاپنی، چیستای ۹۱، مهر ۱۳۷۱. **سوزن بان**، **خون خوزه آرکولا**، گرداننده ی پندوش توسلی و رکن

الدین خسروی، چیستای ۲-۱۱۱، مهر و آبان ۱۳۷۳. **کرکس ها**، **لسکار سروتو**، ترجمه ی پندوش توسلی و خسروی،

چیستای ۱۱۵، بهمن ۱۳۷۳. (نیز ماه نامه ی کلک، ش ۱۵۰، آبان ۱۳۸۳).

سیستم بازیگری استانیسلاوسکی، **جوشو آنوگان**، گرداننده ی خسروی، چیستای ۱۲۱، مهر (۱۳۷۴).

یادداشت های یک بازیگر - بازیگری در تئاتر و سینما، **ژیکالای چرکاسف**، ترجمه ی خسروی، چیستای ۳-۱۲۲، آبان و آذر

۱۳۷۴.

نمایش ها

رفیق خسروی در فرایند ۶۰ سال کار تئاتر خود - از (۱۳۳۸) به این سو - بیش از ۱۷ تله تئاتر تله ویزیونی ساخت و ۲۹ نمایش نامه

را بر صحنه آورد که بخشی از این همه در زیر آمده است: جایی که صلیب گذاشته شد، سال اجرا (۱۳۳۷).

سایه دره، نوشته ی **ولیم سینک**.

خاموشی دریا، ورجور.

تله تئاتر **اسب سفید بازی**، نوشته دکتر خسروی، سال اجرا ۱۳۴۱.

پیک نیک در میدان جنگ، **فرناندو آرابال**، تالار نمایش دانش - کده ی هنرهای دراماتیک، (۱۳۴۴).

تله تئاتر **کلیه ای در جنگل**، **رابرت بروکس**، دانش - کده ی هنرهای دراماتیک (۱۳۴۴).

پایان بازی، **سامویل بکت**، (۱۳۴۶).

آنتیگون، **ژان آنوی**، (۱۳۴۶).

حکومت **زمان خان بروجردی**، **میرزا آقا تیریزی**، دانش - کده ی هنرهای دراماتیک، (۱۳۴۷). این نمایش نامه را **ایرج زهری** با برداشتی نو بازنویسی کرده بود و اجرای آن شهرتی بسزا برای خسروی به بار آورد.

از پشت شیشه ها، **اکبر رادی**، (۱۳۴۸).

پایان بازی، **سامویل بکت**، دانش - کده ی هنرهای دراماتیک.

لیخند باشکوه آقای گیل، **اکبر رادی**، تالار سنگلج (۱۳۵۳).

سلام و خدا حافظ، **آثول فوگارد**، (۱۳۵۳).

ابراهیم توپچی و آقا بیک، **منوچهر رادین**، (۱۳۵۴).

زیتون، **آرمان امید**، تالار دانش - کده ی هنرهای دراماتیک (۱۳۵۵).

محاکمه ی **ژاندارک**، **برنولت برنست**، دانش - کده ی هنرهای دراماتیک (۱۳۵۶).

سیزده بانسی مرده است، **آثول فوگارد**، خانه ی نمایش (۱۳۵۷).

تولد، **آرمان گاتی**، مجموعه ی فرهنگی آزادی (۱۳۵۹).

گوشه نشینان آلتونا، **ژان پل سارتر**، تالار سنگلج (۱۳۵۸).

مردی برای تمامی فصول، **رابرت بالت**، ۱۳۵۸

دایی وانیا، **آنتوان چخوف**، ۱۳۵۸

دشمنان مردم، **ماکسیم گورکی**، ۱۳۵۸

مرگ بر آمریکا، **نوشته علی گوهری**، تالار سنگلج، (۱۳۵۹).

پیوند صدام و کارتر، نوشته ی **نصرت نوح**، تئاتر پارک شهر تهران (۱۳۵۹).

باغ آلبالو، **آنتوان چخوف**، سالن چهارسوی تئاتر شهر تهران (۱۳۶۶).

نمایش های اجرا شده در لندن

کوهولین، (۱۳۷۰).

ادیپ شهریار، (۱۳۷۱).

خانه ی سالمندان، **محمود استاد محمد**، (۱۳۷۲)

یادداشت های روزانه ی یک دیوانه، **نیکالای گوگول**، (۱۳۷۷).

استقنا و قاعده، **برنولت برنست**.

دعوت، **دکتر غلام حسین ساعدی**.

تله تئاتر **دشمن مردم**، **هنریک ایبسن**، تولید و پخش از شبکه ی دو سیما، (۱۳۷۷).

همه ی عطرها ی عربستان، **فرناندو آرابال**، (۱۳۷۸).

آنتیگون، **ژان آنوی**، (۱۳۷۹).

مده آ، **داروفو**، (۱۳۷۹).

آخرین ساعات زندگی سلطان صلاح الدین ایوبی: کارمند رتبه سوم شهرداری تبس و حومه، نوشته ی **محمود کوپر**، ۱۳۸۱.

سوزن بانان، (۱۳۸۵).

مرگ در می زند، **وودی آلن**، (۱۳۸۵).

رفیق دکتر رکن الدین خسروی هم چنین برآن است که نمایش دختر و مرگ از **آریل دورفمن** را نیز تمرین و اجرا کند.

با آرزوی بهترین ها برای این کارگردان برجسته و تراز نو روزگار ما.

(*گفت-آوردها ی (نقل قول های) این جستار برای یک دستی متن (دیبا) اندکی یا بیشتر ویرایش شده اند.



گفتگوی با رهبر سندیکای کارگران نفت، لاستیک و مواد شیمیایی ترکیه : مبارزه سندیکاهای کارگری ترکیه برای حقوق و آزادی های دموکراتیک!

نماینده کمیته دفاع از حقوق مردم ایران ("کودیر") در خلال سفر به استانبول، اردیبهشت ماه سال جاری، به منظور شرکت در کنفرانس منطقه‌ای "شورای جهانی صلح"، با هیئت‌های رهبری چندین اتحادیه کارگری ترکیه دیدار و گفت‌وگو کرد. در جریان این گفت‌وگوها، شخصیت‌های برجسته جنبش کارگری ترکیه پذیرفتند تا در مصاحبه‌هایی، گوشه‌هایی از مبارزه دشوار سندیکالیست‌های ترکیه را برای کارگران و فعالان کارگری ایران شرح دهند. این شرح و وصف، با توجه به شباهت‌های اجتماعی-سیاسی دو کشور همسایه، به لحاظ تجربه اندوزی و درس‌گیری از جنبش‌های کارگری ایران و ترکیه اهمیت فراوانی دارد.

رفیق مصطفی اوزتاشکین، رئیس "سندیکای کارگران نفت، لاستیک، و مواد شیمیایی" ترکیه، در روز ۳۰ تیرماه، در گفت‌وگو با نماینده "کودیر"، به ستوال‌هایی او درباره شرایط ملت‌تهدب ترکیه و فعالیت‌های سندیکاهای این کشور پاسخ داد. این رهبر یکی از مهم‌ترین و پرقدردترین سندیکاهای کارگری ترکیه، در ارتباط با مسئله‌های مشخص سیاسی ترکیه و از جمله مسئله کردها، بحرانی جاری در خاورمیانه، و خطر جنگ و درگیری در این کشور، موضع‌گیری‌های بسیار روشن و ترقی‌خواهانه ای داشت. رفیق "مصطفی اوزتاشکین"، در جلسه گشایش کنفرانس "مردم صلح می‌خواهند"، در اردیبهشت ماه، که به ابتکار "شورای جهانی صلح" و "کمیته صلح ترکیه" برگزار شد، سخنران اصلی بود. رفیق اوزتاشکین، اخیراً در سخنرانی‌ای که به‌طور گسترده‌ای در ترکیه بازتاب یافت، با تأکید بر نظر داشت چهار مفهوم اساسی در مبارزات کارگری، گفت که، سطح توسعه یک کشور به سطح حقوق سندیکاهای، آزادی، و معیار استفاده از آن‌ها بستگی دارد. او افزود که، دموکراسی، برابری، آزادی، و سیاست‌های صلح‌جویانه، با حضور سندیکاهای در اداره آینده کشور رابطه مستقیم دارد. رفیق "اوزتاشکین"، در مورد درگیری‌های خونین میان دولت ترکیه و جنبش مردم کردستان ترکیه، با اشاره به ۳۰ سال جنگ مداوم در کشور، گفت که، ده‌ها هزار نفر از مردم در این درگیری‌ها جان خود را از دست داده‌اند. او تأکید کرد که، به مانند دیروز و امروز، در آینده نیز از روند صلح و دموکراسی و در راستای جلوگیری از هرگونه آزار و صدمه [به مردم]، حمایت خواهد کرد. رفیق "اوزتاشکین"، درباره شرایط جدیدی که در ماه‌های اخیر و پس از امضای توافقنامه توقف درگیری‌ها میان نیروهای دولتی و "حزب کارگران کردستان"، "آپ ک ک" [به‌وجود آمده است، گفت: مردم کردستان خواستار صلح و آزادی‌اند، و در قرن بیست و یکم خواست سیاسی آنان، زندگی‌ای صلح‌آمیز و آزاد در کنار دیگر خلق‌های منطقه، و دستیابی به حق استفاده از زبان مادری و فرهنگ خود است. رهبر "سندیکای کارگران نفت، لاستیک، و مواد شیمیایی" ترکیه، در این سخنرانی مهم گفت که، ما مسئله کردهای ترکیه را بزرگ‌ترین مانع در راه دستیابی به صلحی اجتماعی می‌بینیم، و این درحالی است که ما از روند حل مسئله کردها در ترکیه بر پایه‌ی دموکراتیک، مسالمت‌آمیز، و برابر حقوق، دفاع می‌کنیم. برای مردم کردستان راه حل دموکراتیک و صلح، از هم جدایی ناپذیرند.

گفت‌وگوی رفیق مصطفی اوزتاشکین و نماینده "کودیر" را در زیر می‌خوانید:

آیا تشکیل سندیکاهای کارگری مستقل در ترکیه آزاد است؟ همیشه آزاد بوده است؟ چه مانع‌هایی بر سر راه تشکیل سندیکاهای وجود دارند؟

مصطفی اوزتاشکین: بله، تشکیل سندیکاهای مستقل در واقع از اوایل سال ۱۹۴۷ (۱۳۲۵ش) آزاد بوده است، یعنی از زمانی که نخستین قانون کار ترکیه تصویب شد. البته این را هم بگویم که، بی‌تردید هنوز هم دشواری‌ها و محدودیت‌هایی در امر آزادی تشکیل به‌طور کلی وجود دارند. یکی از دشوارترین و مهم‌ترین چالش‌ها در این امر، مقررات تدوین‌شده‌ی درباره تقسیم‌بندی اقتصادی کشور است که تشکیل سندیکا و متشکل کردن کارگران را به هر یک ۲۰ بخش اقتصادی کشور منحصر می‌کند. علاوه بر این، تشکیل اتحادیه‌های صنف‌های مجزا (مثلاً اتحادیه فلزکاران یا اتحادیه نجاران و نقاشان و مکانیک، و جز این‌ها)، تشکیل سندیکاهای جداگانه در هر محل کاری، و تشکیل اتحادیه‌های سراسری، ممنوع است. اجازه بدهید بیشتر توضیح بدهم. دولت ترکیه اخیراً قانون جدیدی را درباره تشکیل و فعالیت سندیکاهای کارگری و مذاکره دسته‌جمعی تصویب کرد. به‌رغم مخالفت جدی و قاطعانه سندیکاهای موجود، دولت با یاری و همدستی کارفرماها، این قانون را تدوین و سرانجام تصویب کرد. در این قانون، ترکیه به ۲۰ بخش یا شاخه اقتصادی تقسیم‌بندی شده است. برای مثال، "شکار، ماهیگیری، کشاورزی، و جنگلداری" یکی از این بخش‌هاست. "مواد خوراکی"، "معدن"، "نفت، شیمیایی، لاستیک، پلاستیک و دارویی" از دیگر شاخه‌ها یا بخش‌های ۲۰گانه‌اند. بنابراین، مطابق قانون جدید، سندیکای ما - [Petrol-İş] - فقط می‌تواند کارگران و کارکنان شاغل در بخش "نفت، شیمیایی، لاستیک، پلاستیک و داروسازی" را متشکل کند. این یعنی که ما نمی‌توانیم کارگران و کارکنانی را که مثلاً در بخش‌های معدن یا مواد خوراکی شاغل‌اند، متشکل کنیم.

سندیکاهای موجود برای فعالیت خود با چه مانع‌ها و دشواری‌هایی روبه‌رویند؟ آیا فعالان سندیکایی ترکیه‌ای مانند هم‌تاهای ایرانی‌شان به سبب فعالیت سندیکایی از کار اخراج یا بازداشت می‌شوند؟

مصطفی اوزتاشکین: در ترکیه هم سندیکاهای با دشواری‌های زیادی مواجه‌اند. محدودیت‌هایی که در سطح یک بخش یا در محل کاری برای فعالیت سندیکاهای وجود دارد، اخراج‌های دسته‌جمعی کارگران عضو سندیکا، فشارهایی که از سوی کارفرماها بر کارگرانی که به تشکیل سندیکا یا پیوستن به سندیکا مایل هستند وارد می‌شود، و فعالیت‌های ضدسندیکایی کارفرماها با همدستی دولت برای اخلال کردن در تشکیل سندیکاهای، برخی از این محدودیت‌ها و دشواری‌ها هستند. در بسیاری از شرکت‌ها و کارخانه‌ها شمار زیادی از کارگران را به علت فعالیت سندیکایی اخراج کرده‌اند. حتی گاهی نیز پیش آمده است که فعالان سندیکایی محکوم به زندان شده‌اند.

آیا سندیکاهای کارگری در ترکیه به‌طور سراسری در کشور فعالیت می‌کنند؟ برای مثال، آیا سندیکای "فلزکاران متحد" همه کارگران فلزکار در همه کارخانه‌ها و کارگاه‌های کشور را دربر می‌گیرد؟ یا اینکه سندیکاهای اتحادیه‌هایی هستند که به‌طور خاص در یک شهر یا ناحیه فعالیت جداگانه دارند؟ گرچه پیش‌تر اشاره مختصری در این باره کردید، اما می‌خواستم پرسیم که آیا سندیکاهای همه کارگران یک صنف را در هر نقطه‌ی از کشور که باشند متشکل می‌کنند یا اینکه عضوگیری‌شان منطقه‌ای یا محلی است؟

مصطفی اوزتاشکین: در ترکیه

علت‌های اصلی وجود سندیکاهای تأمین و تضمین امنیت شغلی است. سندیکاهای از راه اقدام جمعی و مشترک، به تأمین و تضمین امنیت شغلی کارگران یاری می‌رسانند. اجازه بدهید مثالی از سندیکای خودمان برای تان بزنم. سندیکای ما تلاش دارد کارگران کارخانه‌یی را متشکل کند که حدود ۱۵۰۰ نفر در آن کار می‌کنند. پس از عضوگیری از میان بخش چشمگیری از کارگران این کارخانه، سندیکا می‌تواند با استفاده از ابزار اعتصاب، کارفرما را به پای میز مذاکره و امضای یک قرارداد دسته‌جمعی بکشاند. به همین سادگی می‌توان نقش برجسته‌ای در تأمین امنیت شغلی کارگران داشت. نمونه دیگر، فعالیت ما در یک کارخانه تاپرسازی است. ما وظیفه متشکل کردن کارگران این کارخانه را که در حدود ۱۰۰۰ نفر در آن شاغلند به عهده گرفتیم. حتی اگر یک کارگر را بی‌اساس و بدون دلیل موجه اخراج کنند، سندیکا درحکم نهاد رهبری کارگران، دست به اقدام جمعی خواهد زد تا آن کارگر اخراجی را به کار بازگرداند. به این ترتیب، در محل‌های کاری که کارگران سندیکا دارند، به دلیل همین سازمان‌یافتگی، کارگران از یک ثبات و امنیت شغلی معین برخوردارند.

آیا سندیکاهای مجاز به برگزاری تظاهرات و اقدام‌های اعتراضی و دست زدن به اعتصاب هستند؟

مصطفی اوزتاشکین: بنابر قوانین و مقررات کنونی در ترکیه، سندیکاهای از لحاظ قانونی و بر روی کاغذ اجازه سازمان‌دهی و برگزاری نشست‌ها و همایش‌های اعتراضی و تظاهرات را دارند. اما در عمل، اقدام‌های اعتراضی سازمان‌دهی شده از سوی اعضای سندیکاهای یا حرکت‌های اعتراضی ای که کارگران عضو سندیکا در آن شرکت می‌کنند، غالباً با برخوردهای خشونت‌آمیز نیروهای امنیتی روبه‌رو می‌شود. با وجود این، سندیکاهای ترکیه شیوه‌های گوناگونی را برای اعتراض آموخته‌اند و به کار می‌برند. اما در مورد اعتصاب باید بگویم که محدودیت‌های شدیدی از طرف دولت و کارفرمایان برای جلوگیری از اعتصاب یا اخلال در آن اعمال می‌شود.

هدف‌های عمده کارزارهای کنونی سندیکاهای ترکیه کدامند؟ اگر ممکن است سرفصل‌هایی از این هدف‌های عمده را برای خوانندگان ما برشمارید.

مصطفی اوزتاشکین: عمده‌ترین هدف‌های کارزارهای سندیکاهای ترکیه را می‌توانم در این چند مورد خلاصه کنم: تأمین و تضمین امنیت شغلی؛ ایجاد اشتغال و بهبود سطح درآمدها و کاهش بیکاری؛ تأمین برابری جنسیتی میان زنان و مردان شاغل و تأمین حقوق ویژه زنان در محل‌های کار؛ تأمین حق بازنشستگی؛ بهبود وضعیت بهداشت و درمان کارگران؛ بهبود وضعیت مسکن کارگران؛ تلاش در راستای رشد و بهبود زیرساخت‌های اقتصادی اساسی در کشور؛ برای تحقق این هدف‌ها، سندیکاهای ترکیه معمولاً کارزارهای مشخصی را به راه می‌اندازند، و در مورد حق اشتغال، امنیت شغلی، و به‌طور کلی تضمین حقوق اجتماعی کارگران، فعالیت تبلیغاتی و آموزشی و لابی‌گری می‌کنند.

آیا سندیکاهای یا کنفدراسیون‌های سندیکایی ترکیه عضو سازمان‌ها یا فدراسیون‌های بین‌المللی هم هستند؟ و اگر عضو هستند، ارتباط متقابل دو سازمان و تأثیر آن‌ها بر یکدیگر چگونه است؟

مصطفی اوزتاشکین: بسیاری از سندیکاهای ترکیه عضو وابسته سازمان‌ها یا فدراسیون‌های بین‌المللی در بخش‌های خاص خود هستند. برای نمونه، سندیکای ما - [“Petrol-İş”] - عضو سازمان تازه‌بنیاد انداستری آل (IndustriALL Global Union) است. کنفدراسیون‌های سندیکایی ترکیه نیز عضو کنفدراسیون بین‌المللی سندیکاهای (ITUC) و کنفدراسیون اروپایی سندیکاهای (ETUC) هستند. کنفدراسیون‌های بین‌المللی به فعالیت سندیکاهای ترکیه در امر سازمان‌دهی کارگران کمک شایانی می‌کنند. آن‌ها از راه اعلام همبستگی و حمایت خود از فعالیت‌های سندیکایی در ترکیه، نقش مهمی در تقویت موضع سندیکاهای ما دارند. تبادل اطلاعات و درس‌گیری از تجربه‌های یکدیگر همیشه یکی از بنیادهای ارزشمند در ارتباط متقابل سندیکاهای ما با کنفدراسیون‌های بین‌المللی بوده است. یکی از نمونه‌های مشخص‌تر همکاری‌های متقابل تشکیلات کارگری ملی و بین‌المللی، همبندی و هم‌فکری آن‌ها در زمینه متشکل کردن کارگران شاغل در شرکت‌های بین‌المللی است که در ترکیه فعالیت دارند.

ادامه در صفحه ۸

ادامه گفت و گو با رهبر سندیکای کارگران ...

سندیکاهای بر پایه صنعت‌های مشخص تشکیل می‌شوند و در سراسر کشور فعالیت می‌کنند. برای مثال، سندیکای “فلزکاران متحد” که از آن نام بردید، در سطح کشور فعالیت می‌کند و این حق را دارد که همه کارگران شاغل در همه کارخانه‌ها و کارگاه‌هایی را که در بخش فلزکاری فعالیت می‌کنند متشکل و از میان آن‌ها عضوگیری کند. سندیکاهای در شهرها و ناحیه‌های گوناگون کشور شعبه دارند، و از طریق همین شعبه‌ها و زیر نظارت دفتر مرکزی است که فعالیت می‌کنند و کارگران را متشکل می‌کنند.

آیا در ترکیه، در انتخابات محلی، منطقه‌ای، ریاست‌جمهوری یا پارلمانی، سندیکاهای نامزدهای انتخاباتی خودشان را معرفی می‌کنند؟ یا اینکه صرفاً از نامزدهایی که این یا آن حزب سیاسی معین اعلام می‌کند حمایت می‌کنند؟

مصطفی اوزتاشکین: در ترکیه سندیکاهای نمی‌توانند در انتخابات پارلمانی نامزد خودشان را معرفی کنند. اما فعالان سندیکایی می‌توانند از سمت خود در سندیکا استعفا دهند و در مقام نامزد یک حزب سیاسی معین در انتخابات شرکت کنند. علاوه بر این، در جریان انتخابات، سندیکاهای نظر خود را نسبت به نامزدهایی که از سوی حزب‌های سیاسی معرفی شده‌اند، به‌طور غیرمستقیم بیان می‌کنند، و ممکن است به‌طور غیرمستقیم از نامزد یا نامزدهای معینی نیز اعلام حمایت کنند.

آیا سندیکاهای کارگری ترکیه یک کنفدراسیون سندیکایی سراسری هم دارند؟ اگر دارند، نقش و مسئولیت چنین نهادی چیست؟

مصطفی اوزتاشکین: بسیاری از سندیکاهای ما می‌توانم بگویم تقریباً ۹۵ درصد همه سندیکاهای وابسته به ۳ کنفدراسیون سراسری‌اند: کنفدراسیون سندیکاهای ترکیه (Türk-İş) که بزرگ‌ترین کنفدراسیون کشور است، کنفدراسیون سندیکاهای راستین ترکیه (Hak-İş)، و کنفدراسیون سندیکاهای مترقی ترکیه (DİSK). سندیکاهای سراسر کشور عضو یکی از این سه کنفدراسیون‌اند. این کنفدراسیون‌ها در راه بهبود حقوق کارگران به‌طور کلی تلاش و پیکار می‌کنند. کنفدراسیون سندیکاهای ترکیه (Türk-İş) همچنین سرگرم مذاکره با نمایندگان دولت است تا قرارداد دسته‌جمعی کارکنان دولت را نهایی کند و پس از تصویب دو طرف، به مرحله اجرا بگذارد.

سندیکاهای ترکیه از چه راهی و چگونه برای پیشبرد و تحقق خواست‌های حرفه‌یی و سندیکایی خود دولت را لابی می‌کنند؟

مصطفی اوزتاشکین: کنفدراسیون‌های سندیکایی با تهیه گزارش‌های کارشناسی، صدور بیانیه‌های مطبوعاتی، و برگزاری نشست‌ها و دیدار با کارشناسان یا مقام‌های دولتی، در روند تدوین و تصویب قوانین و مقررات کشوری شرکت می‌کنند. گاهی نیز هیئت‌های نمایندگی کنفدراسیون‌ها با نمایندگان حزب‌های سیاسی دیدار و تبادل نظر می‌کنند. علاوه بر این‌ها، کنفدراسیون‌ها از دیگر روش‌های معمول، مثل نشست‌های همگانی، تظاهرات، راه‌پیمایی و همایش‌های تخصصی و همگانی برای اعلام نظر خود و اعمال فشار استفاده می‌کنند.

با توجه به سابقه فعالیت سندیکاهای ترکیه، به نظر شما میزان تأثیر فعالیت سندیکاهای بر کارزارهای اجتماعی و تنظیم قراردادهای دسته‌جمعی کار با کارفرمایان به‌منظور تأمین امنیت شغلی و ثبات شغلی کارگران تا چه حد بوده است؟

مصطفی اوزتاشکین: همان‌طور که می‌دانید یکی از

ادامه چالش های پیش روی چین...

رسیده است که تولید ناخالص ملی سرانه اش بیشتر از اکثر دیگر کشورهاست. به نوشته مجله "کونومست"، ۵۳ سال پیش، تولید ناخالص ملی چین فقط ۴٪ کل تولید جهانی بود، در حالی که امروز در حدود ۱۷٪ کل تولید جهان و دست کم ۹۰٪ تولید ناخالص ملی آمریکا است. بر اساس تازه ترین آمار منتشر شده از سوی "سندوق بین المللی پول" در سال گذشته، ۳۰/۲ درصد جمعیت [جهان] در کشورهایی زندگی می کنند که تولید ناخالص ملی شان بیشتر از چین است، در حالی که ۵۰/۲ درصد جمعیت [جهان] در کشورهایی با تولید ناخالص ملی کمتر از چین زندگی می کنند (بقیه، جمعیت خود چین است که ۱۹/۶ درصد کل جمعیت جهان است). ۳۵ سال پیش، یعنی زمانی که "اصلاحات و گشودن درها" آغاز شد، این دو رقم به ترتیب ۵/۰ و ۵/۷۳ درصد بود. امروزه چین دومین اقتصاد بزرگ دنیاست، و میزان سرانه تولید ناخالص ملی آن بالاتر از همه کشورهای در حال توسعه منطقه کشورهای جنوب و جنوب شرقی آسیا (به جز مالزی) است. با وجود کاهش آهنگ فعالیت اقتصادی چین، در نتیجه بحران اقتصادی جهانی اخیر، این کشور در سال ۲۰۱۲ میلادی ۱۲ میلیون شغل ایجاد کرد که حتی ۳۳ درصد هم از هدف برنامه های اش بیشتر بود. همچنین، در ربع اول سال میلادی جاری، چین کماکان از نرخ رشد ۷/۷ درصدی برخوردار بود. این درحالی است که در بسیاری از کشورهای رشد یافته یا در حال رشد، آنچه در این سالها رشد داشت، نرخ بیکاری و نرخ کاهش فرصت های شغلی بودند. در زمینه برقراری توازن اقتصادی نیز مقایسه بی میان چین و کشورهایی مثل آمریکا و انگلستان جالب توجه است. در "غرب"، تعدیل یا متوازن کردن اقتصاد، یعنی کاهش مصرف داخلی (که با وام دهی و افزایش بدهی های مردم، تا مدتی اقتصاد را سر پا نگه داشته بود)، در حالی که سعی می شود تولید افزایش یابد، که در نتیجه مستلزم بازارهای فروش در کشورهای در حال رشد است. اما برای چین برعکس است. برقراری توازن اقتصادی به معنای کاهش اتکا به صادرات و افزایش مصرف داخلی است، که اینک با افزایش درآمدهای مردم، امکان پذیر شده است.

آنچه اکنون در چین در حال شکل گیری است، اقتصاد بازار کالایی ای زیر کنترل دولت سوسیالیستی است، که در آن - برخلاف اقتصاد سرمایه داری - نقطه اتکا اصلی، همچنان مالکیت عمومی بر وسایل و ابزار تولید است. اصلاحاتی که از ۳۵ سال پیش آغاز شد بی تردید برآمدهای مثبتی داشته است. در سه دهه گذشته، اقتصاد چین هر سال ۹ درصد رشد داشته است، و فقر - از لحاظ پولی - سیری نزولی داشته است. بر اساس پیش بینی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، تا سه سال دیگر کل اقتصاد چین (نه بر اساس سرانه) بزرگتر از اقتصاد آمریکا خواهد شد. البته برخی از نهادهای اقتصادی آمریکایی و دیگر نهادهای مالی جهان سرمایه داری، زمان این "نقطه عبور" را در حدود ۱۵ تا ۲۰ سال، و حتی ۳۰ سال دیگر تخمین می زنند. اما هیچ کدام تردیدی ندارند که چنین خواهد شد و از حالا، و از سکوی دیدگاه های سرمایه سالارانه خود، در پی ارزیابی پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و نظامی آن هستند. آن ها به رشد عظیم چین مثل رشد و ظهور قدرت های امپریالیستی بزرگی مثل بریتانیا و آمریکا و آلمان نگاه می کنند و با همان معیارهای خودشان آن را می سنجند و می خواهند موقعیت خود را در برابر آن تعیین و تحکیم کنند. به همین علت، لازم است که صاحب نظران و تحلیلگران چین فعالانه در این بحث ها شرکت کنند و به آن جهت دهند. در غیر این صورت، "غرب" فقط بر جنبه های احتمالی منفی (برای خودشان) و القا و ایجاد ترس از این قدرت نو، تأکید خواهند کرد. شیوه های سرمایه گذاری چین در کشورهای دیگر را باید توضیح داد و به طور گسترده یی تبلیغ کرد. باید توضیح داد که قدرتمند شدن چین نه تنها برای خود مردم چین، بلکه برای همه مردم عادی و زحمت کشان جهان، به ویژه در کشورهای در حال رشد، چه سودی می تواند داشته باشد. علاوه بر این، حزب کمونیست چین در توضیح دادن رویکردهای دولت چین در ارتباط با سیاست های خارجی و دفاعی باید بکوشد. تحول و گذار چین به مرحله های عالی تر در شرایطی صورت می گیرد که دولت، حزب، برنامه ریزی کلان اقتصادی، و مالکیت عمومی، همگی، جزو عامل های اصلی تحول اقتصادی و اجتماعی کشورند.

یکی از موضوع هایی که در همایش "چین در قرن بیست و یکم - اکنون و آینده" از سوی رفیق "گریفتز" طرح شد، مناسبات کار و فعالیت های سندیکایی در چین بود. او بر این اعتقاد است که، ضمن توجه به نقش متفاوت سندیکاها و حزب کمونیست، اولویت دادن به برپایی سازمان های سندیکایی دموکراتیک و مشارکتی در محل های کار در همه بخش های اقتصاد، ضرورت مبرمی دارد. حضور و فعالیت شرکت های بزرگ فراملی در چین، عامل مهم دیگری است که لزوم پیاده کردن سیاست های حمایتی از کارگران - در چارچوب سندیکاها و قراردادهای دسته جمعی - و تأمین و تضمین حقوق کارگران را می طلبد. ماهیت سرمایه داران فراملی در خارج از جنگل سرمایه داری همان است که در درون آن نیز است. به علاوه، سندیکاها ی قدرتمند موجب می شوند که کارگران احساس کنند که واقعاً در جامعه یی سوسیالیستی طبقه حاکمند، به ویژه با توجه به رشد سریع چین که به وجود آورنده پرولتاریای عظیم صنعتی ای شده است. همچنین انتظار می رود که حضور کارگران و نمایندگان شان در ترکیب حزب کمونیست نیز دیده شود. تجربه دردناک اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی نشان می دهد که، حضور فعال کارگران در صحنه و احساس مشارکت و دخالت داشتن در سرنوشت خودشان، ضرورتی انکار نشدنی و خلل ناپذیر است. در این صورت است که آنها نظام را از آن خود خواهند دانست و برای حفظ آن و جلوگیری از انحراف آن خواهند کوشید تا دستاوردهایی که متعلق به خود شان است را بازگشت ناپذیر سازند.

شرکت کنندگان در همایش "چین در قرن بیست و یکم - اکنون و آینده"، ضمن توجه به دستاوردها و "معجزه" عظیم اقتصادی و اجتماعی جمهوری خلق چین با رهبری حزب کمونیست آن کشور، دشواری های راه را نیز نادیده نگرفتند. از جمله، رفیق "سیتارام" به برخی از روندها و دشواری های نگران کننده، مانند رشد نابرابری ها و فساد اداری اشاره کرد که رسیدگی به آن ها ضرورتی مبرم دارد و خوشبختانه حزب کمونیست چین کاملاً به آن ها توجه دارد. در گزارش کنگره هجدهم حزب کمونیست چین، به روشنی و بدون پرده پوشی، به این مسئله ها پرداخته شده است: "توسعه نامتوازن، ناهماهنگ، و ناپایدار همچنان مشکل بزرگی است. توان نوآوری های علمی و فنی ضعیف است. ساختار صنعتی نامتوازن است. زیرساخت کشاورزی همچنان ضعیف است... وظیفه گسترش و زرقش اصلاحات و به وجود آوردن فضای باز و تغییر دادن الگوی رشد، همچنان با دشواری زیادی روبه روست. فاصله میان میزان توسعه شهری با میزان توسعه روستایی، و حتی میان منطقه های گوناگون کشور، هنوز بسیار زیاد است. همچنین است در مورد نابرابری درآمدها [در نقطه های گوناگون کشور]. معضله های اجتماعی به طور توجه برانگیزی افزایش یافته اند، و بسیاری از این معضله ها بر نیازهای فوری مردم اثر گذاشته اند، از جمله در زمینه های آموزش، اشتغال، تأمین اجتماعی، بهداشت و درمان، مسکن، محیط زیست و ارتباط متقابل آن با محیط اجتماعی، امنیت غذایی و دارویی، ایمنی کار، امنیت اجتماعی، اجرای قانون، مدیریت قضایی و دادگستری، و جز این ها. برخی از مردم هنوز زندگی دشواری دارند، و در عرصه های گوناگون کار، درستکاری و اخلاق رعایت نمی شود. برخی از مقام های دولتی بی بهره از صلاحیت لازم برای پیشبرد توسعه به شیوه علمی اند. در برخی از سازمان های حزبی محلی سستی و ضعف دیده می شود. شمار اندکی از اعضای حزب و مقام های دولتی نسبت به آرمان ها و اندیشه های حزبی دچار تردید و تزلزل اند، و شناخت و آگاهی کاملی از هدف های آن ندارند. بوروکراسی و تشریفات، و نیز ریخت و پاش، از معضله های جدی اند. در برخی از بخش ها فساد و در برخی دیگر کج رفتاری و رفتارهای ناشایست رواج دارد. مبارزه با فساد همچنان یکی از چالش های عمده ماست. ما باید این دشواری ها و معضله ها را بسیار جدی بگیریم و برای رفع شان سخت تر بکوشیم."

گفتنی است که، در سال ۲۰۱۰ (سه سال پیش) میانگین درآمد سرانه ساکنان شهرها نزدیک به ۳/۵ برابر میانگین درآمد سرانه روستائیان بود. و همه می دانند که امروز شمار میلیاردرهای چین فقط از تعداد میلیاردرها در آمریکا کمتر است. در سال های اخیر دولت چین به معضله افزایش تفاوت توسعه میان منطقه های شهری و روستایی توجه زیادی کرده است و برنامه های معینی را برای کاهش فقر در روستاها (در مرحله توسعه) تدوین کرده است. خطر فقر در منطقه های روستایی و شهرهای کوچک بالا برده شده است تا بر این مسئله سرپوش گذاشته نشود، و در عین حال، تلاش هایی برای افزایش درآمدها صورت گرفته است. ۶ سال پیش، دولت برنامه یی را تدوین و اجرا کرد تا به خانوارهای روستایی که درآمد خالص شان از معیار تعیین شده



چالش‌های پیش روی چین در مسیر ساختمان سوسیالیسم

”چپ‌ها و چین، در همایش ”چین در قرن بیست و یکم- اکنون و آینده“: چالش‌های پیش روی چین در مسیر ساختمان سوسیالیسم

شده است و بازارهای داخلی در تنگنا قرار گرفته‌اند. پس یکی از راه‌های بازسازی اقتصاد، گسترش صادرات کالاهای اروپایی به چین است تا از این راه، تولید داخلی و اشتغال افزایش یابد. در نتیجه، کشورهای اروپایی خواهان آنند که چین درهای بازارهای مصرف داخلی‌اش را هرچه بیشتر به روی کالاهای اروپایی باز کند. یکی از علت‌های فشارهای سیاسی به چین، در همین پدیده نهفته است. شرکت کنندگان در همایش، ضمن مخالفت با فشارهایی که به چین وارد می‌شود، درباره آینده معجزه اقتصادی چین (که در سه سال گذشته نرخ رشد تولید ناخالص آن بیش از ۹ درصد بوده است) نظریات متفاوتی داشتند. همه بدون استثنا بر این اعتقاد بودند که، در قرن بیست و یکم جمهوری خلق چین بی‌تردید نقش بسزایی در جهان بازی خواهد کرد. علاوه بر رشد اقتصادی چین و نقش آن در ”نجات“ اقتصاد جهانی، نقش این کشور در پندقطبی کردن سیاسی- اقتصادی جهان (در برابر جهان تک‌قطبی به سرکردگی آمریکا) عاملی حیاتی در اوضاع جهانی خواهد بود. شی جین‌پین، رئیس جمهوری کنونی چین، که جزو پنجمین نسل از رهبران چین- از مائو تسه‌تونگ و دنگ شیائوپینگ و جیان زمین و هو جینتاو تا نسل کنونی- است، ”ادامه پیش‌روی به سوی آرمان بزرگ سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی، و تلاش در راه تحقق رؤیای چینی برای دمیدن جانی تازه در ملت چین“ را خواستار شده است، که البته با رؤیای آمریکایی تفاوت زیادی دارد. رئیس جمهوری جدید توضیح می‌دهد که، منظور از رؤیای چینی، ”رؤیای مردم چین است که با اتکا به خود مردم باید تحقق یابد، باید بی‌وقفه به سود مردم کار کرد و به آنان فایده رسانید.“ کنگره هجدهم حزب کمونیست چین، که در پاییز سال گذشته برگزار شد، برقراری ”جامعه‌ی نسبتاً مرفه“ تا سال ۲۰۱۲ (صد سالگی بنیادگذاری حزب کمونیست چین) و برقراری ”کشور سوسیالیستی‌ای مدرن و ثروتمند، پر قدرت، دموکراتیک، پیشرفته و متوازن“ تا سال ۲۰۴۹ (صد سالگی جمهوری خلق چین) را جزو هدف‌های برنامه‌ای حزب قرار داد. نگاهی به دستاوردهای اقتصادی عظیم چین نشان می‌دهد که کشوری که ۳۵ سال پیش یکی از فقیرترین کشورهای جهان بود، اکنون به جایی

دگرگونی‌های جمهوری خلق چین در چند دهه اخیر و تبدیل شدن این کشور به یکی از غول‌های اقتصادی جهان، از موضوع‌هایی است که توجه بسیاری را در جهان به خود جلب کرده است، چه در جبهه سرمایه و چه در میان نیروها و سیاستمداران چپ. همه در پی آنند که راز موفقیت سریع این کشور را- که حزب حاکم در آن حزب کمونیست است- دریابند. در جبهه ”چپ“، به ابتکار دولت‌ها یا سیاستمداران و یا حتی حزب‌های کمونیست و کارگری، به منظور شناخت سیاست‌های حزب کمونیست و دولت چین و درس‌گیری از آن‌ها، تا کنون چندین همایش در کشورهای گوناگون برگزار شده است، همایش‌هایی که نمایندگان حزب کمونیست و دولت چین نیز، در سال‌های اخیر، در آن‌ها فعالانه شرکت کرده‌اند. یکی از این همایش‌ها در محل پارلمان اروپا، در شهر بروکسل، پایتخت بلژیک، در روزهای ۲۹ و ۳۰ خردادماه امسال، برگزار شد. این همایش که عنوان آن ”چین در قرن بیست و یکم- اکنون و آینده“ بود، از سوی ”چپ متحد اروپا- چپ سبز شمال“ (”GUE-NGL“) سازمان‌دهی شده بود که گروهی است متشکل از ۳۵ نماینده چپ‌گرای پارلمان اروپا از ۱۳ کشور اروپایی و ۱۸ حزب سیاسی. علاوه بر این نمایندگان پارلمان اروپا، شماری از اعضای رهبری حزب‌های کمونیست آفریقای جنوبی، برزیل، بریتانیا، و هندوستان (مارکسیست)، شخصیت‌های چپ‌گرایی مثل سمیر امین، و نیز نمایندگانی از برخی دیگر از نهادهای دانشگاهی از اروپا و آمریکای لاتین (”سازمان همبستگی با مردم آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین“) نیز جزو شرکت کنندگان در این همایش بودند. از کشور چین، هیئتی چهار نفری از کمونیست‌های چین- به نمایندگی از ”مرکز مطالعات نظریه‌ها و فلسفه‌های سوسیالیستی“، که زیر نظارت کمیته مرکزی حزب کمونیست چین فعالیت می‌کند- در این همایش شرکت داشتند.

نوشته‌یی که در زیر می‌خوانید، بر اساس گزارش‌های رفیق ”سیتارام به‌چوری“، عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)، و رفیق ”رابرتز گریفیتز“، دبیرکل حزب کمونیست بریتانیا، تهیه شده است؛ این دو شخصیت در همایش پیش‌گفته شرکت داشتند و سخنرانی کردند. یکی از موضوع‌های مورد توجه اروپا، اهمیت چین و اقتصاد آن کشور در کمک به رفع بحران جهانی و بازسازی اقتصاد جهان است. ۳۵ سال پیش دنگ شیائوپینگ می‌گفت که، چین سوسیالیستی برای رشد خود به جهان سرمایه‌داری نیاز دارد. اما امروز، همه چشم‌ها به چین سوسیالیستی است تا سرمایه‌داری جهانی را از بحران نجات دهد! به‌روشنی دیده می‌شود که نمایندگان پارلمان اروپا به شدت نگران بازسازی اقتصادی اروپا هستند، به‌ویژه که سیاست‌های ریاضتی دولت‌های اروپایی، بحران کنونی را پیچیده‌تر هم کرده است. توان خرید مردم کمتر

ادامه در صفحه ۱۵

کمک‌های مالی رسیده

۵۰۰ کرون

بید شهدای حزب از مالمو

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

۱. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany آدرس‌های پستی:
 2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
 http://www.tudehpartyiran.org آدرس‌های اینترنت و ”ای-میل“
 E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 926
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

29th July 2013

شماره فاکس و تلفن
 پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
 ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام حساب: Iran e.V.
 بانک: Berliner Sparkasse
 کد بانک: 100 500 00
 شماره حساب: 790020580
 IBAN: DE35 1005 0000
 0790 0205 80
 BIC: BELADEBEXXX